



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن
The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 99

سری سوم، شماره ۹۹

October 2021

آبان ۱۴۰۰

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
E_mail: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei
E_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



بولتن ویژه جنبش رهایی زنان در افغانستان



مطالب
قربانیان سرکوب، انکار و فراموشی
فاطمه روشنیان

نمی ترسم شعر از آتوسا

زنان افغانستان، زنان ایران
یک درد یک صدا مریم مرادی

سرنوشت مردم و بخصوص زنان افغانستان
در دست کیست؟
مصاحبه ی سازمان رهایی زن باتنی چند از
فعالین زنان در افغانستان

روز همبستگی زنان جهان با زنان مبارز در
افغانستان سحر صامت

معرفی نیمرخ رسانه ی ویژه ی زنان در
افغانستان

بر زنان تحت ستم در افغانستان چه
میگذرد پروانه عظیمی

متن سخنرانی شراره رضائی در حمایت از
مردم و زنان افغانستان
مقابل مقر اتحادیه اروپا بروکسل / بلژیک

دبلمات های ما در هرات صبحانه را خورده
اند و طالبان را برادر خود می دانند
بهاره شرفی

بیانیه حمایت و همبستگی با زنان
افغانستان از طرف اقدام مشترک تشکل
های مستقل زنان

مصاحبه روزنامه سوئدی در
شهر بوروس با سحر صامت

محکومیت امارت اسلامی طالبان در
تظاهرات گوتنبرگ سوئد سحر صامت

چزاره پاوزه ترجمه از: ماریا عباسیان

سنگسار شعر از آتوسا

راه های تماس با سازمان رهایی زن و
نمایندگان آن در شهرها و کشورهای

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org



وقتی توافقنامه‌ی دوحه میان امریکا و طالبان امضا شد، اصلی‌ترین پیام و معنای سیاسی‌اش برای مردم افغانستان این بود که حکومت فاسد، فاقد مشروعیت انتخابی و بشدت قومی اشرف غنی رفتنی است و طالبان در نتیجه یک بازی سیاسی استخباراتی به گونه‌ی برمی‌گردند. در عین حال توافقنامه دوحه با آنکه ظاهراً به هدف دست یافتن به صلح امضا شده بود، از همان اولش مردم به ویژه ما زنان را نگران چگونگی برگشت طالبان به صحنه سیاست ساخته بود. نگران دچار شدن به گستره‌ای از عقب‌گردهای ارزشی که زنان قربانیان اولش خواهد بود.

وقتی جوبایدن تصمیم‌اش در قبال برنامه خروج کامل از افغانستان را اعلام کرد، از همان لحظه‌های اول یازده سپتامبر ۲۰۲۱ برای من حکم مواجه شدن با یک کابوس وحشت ناک را داشت. من و همکارانم در نیمرخ به این نتیجه رسیدیم که حکومت اشرف‌غنی می‌رود و جایش را به یک ساختار بسته‌تر، سنتی و عقب‌گراتر می‌دهد و بزودی تفکر طالبانی مجال این را می‌یابد که بخش قابل ملاحظه‌ی از دست‌آوردهای ارزشی بیست‌سال اخیر را به حاشیه رانده و از سکوی قدرت سیاسی بر آزادی‌های مدنی سیاسی مردم افغانستان اعمال سلیقه کند.

وقتی در جریان ماه‌جولای روند سقوط ولسوالی‌ها در مناطق شمال و شمال‌غرب افغانستان کلید خورد، ما فکر می‌کردیم طالبان برای دست یافتن به امتیازهای بیشتر در حکومت پسا صلح، فشارها را بیشتر کرده است. چون، ما فکر می‌کردیم که جامعه جهانی و ایالات‌متحده امریکا برای حفظ ثبات و دست‌آوردهای ارزشی در کنار مردم و ارزشهای باقی می‌مانند. اجازه نمی‌دهد تمام ارزشهای بیست‌ساله در افغانستان در یک چشم به هم زدن در کام یک کابوس وحشتناک سقوط کند. اما، ۱۱۵ اگوست ۲۰۲۱ نشان داد که نه، قصه ارزش‌ها و دست‌آوردهای بیست ساله و سرنوشت دموکراسی و حقوق بشر، سرنوشت کودکان و زنان افغانستان برای امریکا و حتی برای همه دولت‌های متحد امریکا در حضور ۲۰ ساله شان در افغانستان، شعار سیاسی بوده است و کارت بازی‌های استخباراتی.

۱۱۵ اگوست برای مردم افغانستان و به ویژه برای زنان افغانستان فقط یک رویداد سیاسی نبود. یک تراژدی تلخ و کابوس وحشتناک بود. تراژدی که در کمتر از نصف روز همه چیز را از زنان افغانستان گرفت. بعداش این زنان افغانستان بودند که پس از ۲۰ سال فرصت در فصل جدید مبارزات برابری‌خواهی و آزادی‌خواهی شان یکبار دیگر در کام توحش و تفکر طالبانی سقوط کردند.

در بیشتر از دو ماه پس از فرار غنی و فرار نظامی امریکا از افغانستان در کابل گیر ماندم. در کابلی که همه سقوط کرده بدست طالبان. دو سه روز اول شهر کابل بصورت عجیب و حیرت‌انگیزی به سکوت و وحشتناک فرو رفته بود. همه غافلگیر شده بود. ترسیده بوم. اما روز چهارم وقتی متوجه شدم در میدان هوایی کابل یک فاجعه جدید انسانی در حال رقم خورده است، تلاش کردم کم کم از شوک روانی سقوط کابل بیرون شوم. برای فهمیدن فاجعه تلاش کردم. بعداش هرچه بیشتر به ابعاد آنچه در ۱۱۵ اگوست رخ داد فکر کردم، بیشتر از پیش

درگیر یک تراژدی ویرانگر شدم. در دستکم دو سال اخیر قبل از ۱۱۵ اگوست، من و همکارانم در نیمرخ، همواره نگران مواجه شدن با عقب‌گردهای ارزشی در نتیجه بازی صلح و تحولات سیاسی پسا صلح بودیم. برای همین در دو سال گذشته بیشترین بخش توجه، انرژی و تلاش را به پرداختن به این نگرانی‌ها متمرکز کردیم. فکر می‌کردیم اگر ما زنان در افغانستان مقاومت نشان بدهیم، جامعه جهانی و در راس‌شان ایالات متحده امریکا، سرنوشت زنان را بخش جدی از محاسبات شان در قبال آینده افغانستان محاسبه می‌کنند.

اما متأسفانه آنچه را نمی‌شود انکار کرد این است که جامعه جهانی و پیشگامان دموکراسی، حقوق‌بشر و حامیان حقوق مدنی سیاسی، پس از ۲۰ سال حضور نظامی-سیاسی مردم افغانستان را بصورت فاجعه بار به کام وحشت رها کردند و معنی واقعی کلمه به این مدعیان دفاع از حقوق‌بشر و حامیان دموکراسی در پایان ۲۰ سال حضور و شعار به زنان افغانستان خیانت کردند. خیانت شرم‌آور و وحشتناک.

در بیش از دو ماه پس از سقوط کابل بدست طالبان که در کابل بودم در متن تمام ویرانی‌ها، نفس این‌که می‌دیدم همه رهبران سیاسی فرار کرده اند. همه تنظیم‌های سیاسی آب شده اند و به زمین رفته اند، اما زنان تنها نیروهای مقاومت مدنی کابل در مقابل وحشت و تفکر طالبانی اند، در ته عالمی از سرخوردگی، به آینده امیدوارم می‌شدم. با آنکه از بعد از ظهر ۱۱۵ اگوست دفتر نیمرخ در کابل تعطیل شد و من و همکارانم مثل بقیه زنان افغانستان دیگر دفتر برای رفتن نداشتیم، اما تلاش کردیم بر ترس خود غلبه کنیم. حضور دادخواهانه و مقامات مدنی زنان را پوشش بدهیم. روایت‌های زنان از زندگی تحت حاکمیت ترس و وحشت طالبانی را بازتاب بدهیم. تا باشد که نبض مبارزه آزادی‌خواهی ما زنان همچنان بتپد و تلاش دشوار و تاریخی متوقف نشود.

نمی ترسم
شعر از آتوسا



شفق هر لحظه گلگونست
زنان کابلی گویند که این آفت همش از دست
ملعونست

من از ملعون نمی ترسم
من از ترسها نمی ترسم
من از یاسها نمی ترسم

نوی زندگی یاس است و ترسیدن
هوای کشورم مرگ است و غلتیدن
من از یاسها
من از ترسها

نه آتش مانده در دیگدان
نه نانی روی دستر خوان
نه کودک می زند لبخند
نه شیری مانده در پستان
بجای نان
بجای شیر

اگر داعش بجای گل
اگر طالب بجای شعر
درین بازار انسانی درین بازار ابریشم
کنیزها را به چنگکها بیاویزند
من از بازار
من از چنگک

نمی ترسم نمی ترسم
نمی ترسم نمی ترسم

بجای خنده بر لبها
بجای نغمه در دلها
سراسر لنگی و ریش است که با قمچین
میرویند

نمی ترسم نمی ترسم
اگر زنهای دایکندی
اگر اطفال بهسودی
اگر شیعه اگر هندو

من از داعش من از کشتن نمی ترسم
من از طالب من از مردن نمی ترسم
من از مرمی
من از باران
من از گرگ های بی وجدان
نمی ترسم نمی ترسم

هلا خواهر
هلا خواهر
فضای زندگی یاس است و ترسیدن
به هر سویت دوصد مرگ است و غلتیدن
بگو خواهر
بگو خواهر

روان هستند بسوی کوچ اجباری
من از وحشت
من از اجبار
نمی ترسم نمی ترسم

اگر طالب
مرا در زیر برقع می کند پنهان
اگر آخوند
مرا با حکم بیجا می برد زندان
من از برقع
من از زندان نمی ترسم

که من از یاس
که من از ترس

نمی ترسم نمی ترسم

هلا خواهر
هلا خواهر
چه واویلاست در کابل
به هرسو چیغ
به هرسو گور
صداها غرقه در خونست

اگر داعش
مرا از لست آدم می کند بیرون
اگر قاتل
مرا از خون عالم می دهد جیحون
من از تلوار

زنان افغانستان، زنان ایران

یک درد یک صدا

مریم مرادی



روزگار تلخ این روزهای زنان افغانستان بیانگر تراژدی دردناک زنان ایران است. شنیدن و دیدن آنچه بر زنان افغانستان می‌رود حکایت درد مشترک ماست. بیش از چهار دهه است که ما زنان ایران با مبارزات بی امان علیه قوانین زن ستیز که ریشه در باورهای سنتی و مذهبی دارد و محدودیتهای بی شماری که تحت حکومت استبداد دینی است، به خوبی میدانیم که سلطه بنیاد گرایان اسلامی بر افغانستان چه فجایع درد آوری بدنال خواهد داشت. افغانستان کشور همسایه، هم زبان و با تاریخ مشترک هم اکنون تحت حکومت گروه اسلام گرای طالبان گرفتار شده است. طی چند سالی که طالبان قدرت سیاسی را در دست داشتند جنایاتی که بر سر زنان افغانستان آمد تاریخ دردناکی از خود بر جای گذاشت. بار دیگر با روی کار آمدن طالبان زنان اولین گروهی هستند که تحت سرکوب و ستم طالبان خواهند شد و با "جهاد نکاح" که بر آمده از تفکر طالبانی است، به دوران تاریک برده داری جنسی باز میگردند. زنان افغانستان میدانند حقوقی که در دو دهه گذشته از جمله حق کار، تحصیل، جابجایی و زندگی در آرامش را به دست آورده بودند دوباره از دست میدهند. در سال ۲۰۰۹ میلادی، قانون منع خشونت علیه زنان که درباره تجاوز جنسی و ازدواج اجباری

بود به تصویب رسید و دولت افغانستان جلوگیری از تحصیل دختران و زنان را غیرقانونی اعلام کرد. اما اکنون زنان افغانستان به این موضوع فکر می‌کند که آیا حق اشتغال و تحصیل خواهد داشت یا خیر؟! طالبان طی مدتی کمتر از ده روز توانست کابل را بدون مقاومت قابل توجهی از سوی دولت رسمی تحویل بگیرد و برای بار دوم «امارت اسلامی» را ایجاد کند. این سرعت، وقوع رویداد تلخ ۱۳۵۷ را به یاد ایرانیان می‌آورد. یکی از ویژگی‌های رخداد ناگوار سال ۱۳۵۷ در ایران [سرعت] آن بود. موجی که [انقلاب] نام گرفت از اواسط سال ۱۳۵۶ آغاز شده بود و طی مدت زمانی کوتاه به نتیجه خود رسید. در حالی که طی همان سالها انقلاب الجزایر پس از هشت سال به پیروزی رسید. یکی از دلایل مهم سرعت روی کار آمدن حادثه نامیومون سال ۱۳۵۷ حمایت کشورهای غربی یا حداقل چشم پوشی آنها بر تحولات ایران بود.

نشان می‌دهد که تصاویر زنان از دیوارهای شهر پاک شدند، در همین رابطه طالبان اعلام کرده است زنان می‌توانند با حجاب اسلامی به مکاتب (مدارس) بازگردند. این روند برای ایرانیان بسیار آشناست، جمهوری اسلامی نیز یکا یک این مراحل را با سرعتی متفاوت، سعی در کنترل و محدود کردن زنان کرد.

اولین مقاومت‌های مدنی زنان ایرانی در مقابل فشارهای جمهوری اسلامی در ماه‌های اول تاسیس آن انجام شد. یک روز پیش از برگزاری مراسم بزرگداشت روز جهانی زنان در سال ۱۳۵۷، روح‌الله خمینی در سخنرانی مدرسه رفاه اعلام کرد زنان کارمند اداره‌های دولتی باید حجاب اسلامی را برای حفظ آبرویشان رعایت کنند. روز بعد زنان کارمند بدون حجاب اجازه ورود به محل کارشان را نیافتند. تعداد زیادی از زنان کارمند از رفتن به سر کار سر باز زدند و زنانی که کارمند وزارت امور خارجه بودند، بیرون وزارتخانه دست به تظاهرات زدند. حدود ۵ تا ۸ هزار زن در دانشگاه تهران تجمع کرده و شعار دادند. همچنین تعداد زیادی از دانش آموزان مدرسه‌های دخترانه به تظاهرات زنان در تهران پیوستند.

سرعت روی کار آمدن طالبان در افغانستان، از جمله شباهتهایی است که با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی در ایران دارد. همانگونه که از ماه‌ها پیش آمریکا با طالبان در قطر بر سر میز مذاکره نشستند، پیش از روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی در ایران نیز بر اساس اسناد منتشر شده سازمان سیا، روح الله خمینی در مدت زمان حبس خانگی خود در تهران، با دولت آمریکا در تماس بود.

طالبان، در حالی که خشونت ورزی میکنند ادعای عدم اعمال خشونت را دارند و این ادعا برای ایرانیان عجیب نیست! زمانیکه روح‌الله خمینی در فرانسه بود در گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی مدعی شد به دنبال حکومتی جمهوری است، از نوع جمهوری فرانسه و حکومتی تشکیل خواهند داد که حتی کمونیست‌ها می‌توانند کرسی دانشگاهی داشته باشند و یا در برنامه‌های مناظره محور صدا و سیما شرکت کنند. اما به محض ورود به ایران،

ادامه در صفحه ۱۶ی

سرنوشت مردم و بخصوص زنان افغانستان در دست کیست؟
مصاحبه ی سازمان رهایی زن باتنی چند از فعالین زنان در افغانستان



<https://youtu.be/KATxBAMHPIM>

مردم سراسر دنیا درگیر پاندمی ویروس کرونا بودند و از شیوع ویروس طالبان از مرزهای پاکستان به جامعه افغانستان غافل ماندند. کماکان همگان در شوک تصرف کابل توسط وحوش امارت اسلامی طالبان و فرار هزاران تن از مردم به سمت فرودگاه کابل بسر میبرند. فرار رئیس جمهوری که خود میدانست که اکثر مقاماتش غرق در فسادند و با خروج نیروهای غرب دیگر سفره چپاول مردم زحمتکش افغانستان برچیده میشود و برای مبارزه با طالبان باید از خود مایه گذاشت. تا آنجا که ما میدانیم از مقامات پیشین فقط امرالله صالح است که با پاره ای از نیروهای نظامی ش به استان پنجشیر تنها منطقه ای که بدست طالبان نیافتاده است رفته و به گردآوری نیرو برای سازماندهی مقاومت علیه طالبان مشغول است. و اما در این سالیان که طالبان به پاکستان عقب نشینی کرده بودند، جهان شاهد حضور نسبی زنان در شئون مختلف جامعه افغانستان، دختران در مدارس و دانشگاه و رسانه های افغانستان بودند. اینترنت و موبایل نسل جوان را با دنیای امروز مرتبط کرد. در برنامه امروز با یاری میهمانان عزیز برنامه رهایی زن به بررسی حال و احتمالات وضعیت آینده افغانستان و بخصوص زنان میپردازیم.

با سلام و خوش آمد گوئی به ماریا یوسفزی فعال حقوق زنان مقیم سوئد، مدینه دروازی در کابل، ویدا ساغری (که خوشبختانه موفق به رسیدن به دهلی هند شد)، بهشته رحمانی در ونکور کانادا، میهمان از پنجشیر و سحر صامت فعال حقوق زنان و گزارشگر ویژه رهایی زن در امور افغانستان از سوئد.

مینو همتی: نخست از میهمانان عزیز کابل سوال میکنم اوضاع پایتخت را چگونه توصیف میکنید و وضعیت امنیت خودتان چگونه است؟

فرهمند از کابل: متأسفانه در افغانستان همه چیز بگونه شعاری پیش میره، بیشتر از اینکه عمل باشد شعار است. در یک وقتی زنان را تحقیر میسازند و برایشان حق نمیدهند و در گاهی موارد برای اینکه به جامعه جهانی و جهان نشان بدهند زنان را پیش میکنند، اینجا همکاران ما خوبتر آگاه هستن ازین موضوع. درکل از زنان استفاده ابزاری صورت میگیرد و اینطور یک وضعیتی در پنجشیر نیست که خانم ها را مسلح بسازند خانم ها را آماده بسازند تا اینکه یک تصویری به جهانیان داده شود در کل اینطور یک وضعیتی فعلا در پنجشیر وجود ندارد.

مینو همتی: میهمانان در کابل، آیا صحبت از شکلگیری مقاومت، چه مخفی و چه علنی در کابل بگوش میرسد، آیا آنطور که در ایران هر شهوند با موبایلش یک شهرون خبرنگار است و تمامی جنایات رژیم اسلامی و مبارزات مردم را به رسانه های خارج گزارش میکند، در افغانستان نیز رایج میشود؟

فرهمند از کابل: خوبست در اول اجازه بدهید که همانگونه که همکاران ما گفتند یک بحث کلی نسبت به عقیده طالب داشته باشیم بعد باز میپردازیم به کارهای مان درست است؟ بیایید اول به این بحث بکنیم که چی عقیده دارند و به چی باور هستند؟ چقدر معتقد هستند به

زنان؟ این خو در کل معلوم است که طالب زنان را جنس دوم میدانند بگونه ی برده جنسی که سالها خانم ویدا با دیگر همکارانش در این راه مبارزه کرده اند. که هیچ حق و حقوقی به زنان داده نمیشود. شما گزارشی از دویچوله را شنیدید که حتا طالبان اینان را به اجبار به نکاح خود در میاورند. حق کار داده نمیشود حق تحصیل داده نمیشود، شما دیدید که شبینم دوران گرداننده تلویزیون ملی را از کار منع کردند و برایشان اجازه کار داده نشد. در اول وقتی طالب به کابل آمد یک تعداد خوشبین بر این بودند که اینا تحت نظر جامعه جهانی هستند و ممکل تغییر کرده باشند. جامعه فعلی با جامعه بیست سال قبل فرق میکند اما نه چنین نبود ما دیشب شاهد بودیم که آمدند خانه ها را برای دریافت خبرنگاران تلاشی کردند. هیچ خبرنگاری در افغانستان مصوون نیست. در افغانستان قبلا پیش از سقوط دولت چنین چیزی خیلی مروج بود و هر شخصی که به دست یک میایل داشتند خبرنگار بود. حالا وضعیت قسمی آمده است که هر کسی دنبال زنده ماندن خود میگردد و دنبال اینست که کجا پناه ببرد و چی قسم زندگی خود را نجات بدهند. تعداد اندکی هستند اونایی که در پنجشیر حضور دارند و

یا در مناطقی حضور دارند که آنجا طالبان کمتر دیده میشود در آنجاها چنین چیزهایی وجود دارد اما درکل چنین چیزی بسیار کم است نمیتوانند صدا بلند بکنند و اگر صدای شانرا بلند بکنند زندگی شان در خطر میافتد. در حدی اینا نفوذ کرده اند، خانه به خانه اینا نفوذ کرده اند. من پیشتر هم یاد آور شدم که دیشب همسایه مانرا ساعت سه نیمه شب با خود بردند.

مینو همتی: خانم رحمانی شما حدود شش ماه است که آمدید به کانادا، حتما شما هم دلایل خاصی داشتید، لطف کنید از وضعیت کلا خبرنگاران در ابتدای که طالبان آمد و اونجا را تصرف کرد چند روز پیش من دیدم که توی تلویزیون طالبان اعلام کرد که ما کاری نداریم، اینا برگشته اند و دارن برنامه شان را اجرا میکنند با همان شکل و شمایل که آرایش داشتند و به حساب موهایشان پیدا بود ولی کم کم مثل اینکه تازه همو قوانین اسلامی که هنوز اونجا اعلام نشده این تغییر و تحولات را آیا شما هم میبینید؟

بهشته رحمانی: بسیار تشکر از شما خانم مینو من سلام تقدیم میکنم خدمت تمامی دوستانی که با ما هستن در برنامه و تمامی بیننده های عزیز. همان قسمی که خانم ویدا گفت این وضعیت از امروز و دیروز و یکماه و یکسال نیست، این وضعیت از سالها به اینطرف جریان دارد مخصوصا در قبال خبرنگاران. من از سال ۲۰۱۰ کار خبرنگاری شروع کردم، سالهای اول نسبتا راحت تر بود بهتر بود آزادی بیان و آزادی رسانه هم تا حدی وجود داشت. اما مه دوست دارم و من میخواهم که اینگونه بگویم که آزادی بیان در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ زمانی که شخصی بنام آقای محمد اشرف غنی احمدزی رئیس جمهور افغانستان شد فاتحه اش خوانده شد، زمانی که در حتما بیرون از مرزهای افغانستان حتما در کشوری بنام انگلستان و شهری بنام لندن در یکی از کنفرانس های خبری و یا سخنرانی های رئیس جمهور

افغانستان شخصی صدای خود را بلند کرد با مشت و لگد از سوی محافظان رییس جمهور به بیرون از تالار انداخته شد او زمان فاتحه آزادی بیان خوانده شده بود. زمانی که در تالار لویه جرگه در جریان سخنرانی آقای غنی زنی صدا بلند کرد و از تالار بیرون انداخته شد باز هم توسط محافظان رییس جمهور، او زمان امید آزادی بیان و فاتحه آزادی بیان خوانده شد. زمانی که خبرنگارانی، من امیدوار هستم که این حرف مه اشتباه نباشد ولی تاحدی که متوجه هستیم و میفهمیم خانم ویدا در برنامه با ما است و خانم ویدا مثل ویدا زنهای دیگر خبرنگاران دیگر به اشکال مختلفی از رسانه ها اینا دیگه اجازه فعالیت برایشان داده نشد، من امیدوار هستم که این حرفم در مورد خانم ویدا اشتباه نباشد و اگر حقیقت جز این است میشه که خانم ویدا در همین برنامه بگوید، او زمان آزادی بیان و آزادی رسانه و خبرنگار ازش گرفته شده بود. او زمان جان خبرنگار و جان آزادی بیان در خطر بود. سالها من کار خبرنگاری کردم برنامه های سیاسی و خبری مختلفی را من پیش بردم، حتما بعد از برنامه ها تماس گرفته میشد بارها تهدید شدم به عنوان یک گوینده ای به عنوان یک خبرنگار صدای مردم. به امید این بودیم ما کار میکردیم تلاش میکردیم که همان قسمی که خبرنگار صدای مردم است میخواستیم همان رسالت خود را به شکل و شیوه درستش انجام بدیم و این رسالت مانرا با ایمان و وجدان کامل انجام بدیم و صدای مردم باشیم. اما بعد از ختم برنامه تماس ها گرفته میشد، خطاریه ها میشنیدیم، تهدید ها میشدیم که تو چرا این حرف را زدی؟ چرا این سوال را پرسیدی؟ چرا این موضوع را در برنامه یاد کردی؟ این آزادی بیان نبود این آزادی بیان و آزادی رسانه نیست، جان خبرنگار امروز هم در خطر است دیروز هم در خطر بود. امروز از طرف طالب دیروز از طرف طالب نماها. حالا یک هفته میشود، شما یاد کردید که در

گذشته خبرنگاران زن ویا گوینده های زن با شکل های مختلف با ظاهر آراسته تر و یا با ظاهری که باب میل خودشان بود و راحت خود را احساس میکردند در رسانه ها ظاهر میشدند. بلی در این حد رسانه آزادی داشت خبرنگار آزادی داشت که همانگونه ای که میخواهد و شکلی که راحت است ظاهر شود. یک هفته نگذشته، از روز اول خیلی امیدواری ها به این بود چون در چند رسانه محدود گوینده های زن ظاهر شدند. اما امروز، حالا است تصویر های خبرنگاران زن و من نمیخواهم بخاطر همان بعضی مسایل که من تصاویر را به شما نشان بدم. عکس دیروزی از اینا و عکس امروز شان که بعد از یک هفته هنوز اینا در رسانه فعالیت دارند و حتما در پوشش اینا چی تغییرات آمده. ما کار نداریم، کنفرانس خبری سخنگوی طالبان را ما شنیدیم در مورد خبرنگار زن در مورد کار زنان در بخش خبرنگاری هر سوالی که میشد، هنوز در این مورد تصمیم گرفته نشده. در رسانه های ولایت ها من دو روز قبل با یکی از خبرنگاران زن در ولایت هرات مصاحبه داشتم، بعد از ورود طالبان در شهر هرات تمامی خبرنگاران حوزه غرب نه تنها هرات تمام خبرنگاران زن در حوزه غرب خانه نشین شده اند.

مینو همتی: من دوست داشتم همینجا از **بهشته رحمانی** عزیز که در مدیا غرب الان در ونکوور شما فعال هستین صدای ویدا را شنیدید صدای دوست مان از پنجشیر را شنیدید من فکر میکنم نقش شما در انعکاس این صدا ها خیلی مهمه دوست دارم خودتان بگید چجوری برای خبرنگارانی مثل شما جوانانی مثل شما که دلشون میتپه برای مردم توی افغانستان مخصوصا جوانان مخصوصا زنان برای این خبرنگاران چی پیغامی دارید چی صحبتی دارید و خودت میتونی چی کار کنی توی ونکوور که هستی به افکار عمومی غرب بطوری؟

بهشته رحمانی: بسیار تشکر اگر اول از همین بگویم که تلاش ما همیشه بر همین است که کسانی که حداقل خبرنگاران و یا کسانی که در غرب زندگی میکنند تلاش ما همیشه بر این است که صدای رسانه ها را صدای خبرنگاران را و صدای مردم را نه تنها خبرنگار بل صدای زنان افغان را برسانیم به گوش جهانیان، اما سوال دیگر هم اینست که آیا میشوند؟ سالها ما صدا بلند کردیم سالها زنها صدا بلند کردند که طالب داعش یا هر گروه دیگر تروریستی که اینا نام ماندن به سرش و بنام های مختلف اینا را بوجود آورده اند اینا در حال پیشروی هستند، اینا مخالف زن و فعالیت زن هستند، از تمام شریعت از تمام اسلام و از تمام همان ایده های اسلامی شان و یا شریعتی شان تنها چیزی را که یاد گرفته اند و تنها چیزی را که یاد دارند سرکوب زن است. کسی صدای ما را شنید؟ نشنید. ولی امیدوار هستم که دنیا صدای زنان افغان را بشنوند دنیا دیگه اجازه نده ازین بیشتر اجازه ندن که زن افغان سرکوب شود. در طول این بیست سال یا بیست و یک سال هر بدبختی را که تیر کرد افغانستان و مردم افغانستان بیشتر این بدبختی ها را زنها گذشتاند اما بازهم به گفته خانم ویدا تا حدی ما آزادی های خود را و تا حدی ما همان چیزهایی را که حق داشتیم هم خدا داده بود هم رسول و هم قانون از هر لحاظ دینی و دنیایی تا حدی زنها افغان توانستند استفاده نکنند. امروز اینا فقط و فقط منتظر این هستند که دنیا به رسمیت بشناسد شان بعد از او باز شروع میشود همان کارهای سالهای قبل شان. تلاشی های خانه به خانه شان همینگونه، شب و روز اینا در تلاش خبرنگاران و خانواده های خبرنگاران هستن من میخوام یک تصویر را برای شما نشان بدم، این است تصویر خانه یکی از خبرنگاران در ولایت غزنی که از ترس جاننش شاید در صفحه فیسبوک نشر نکرده اما در گروپ ها نشر کرده و گفته اینگونه از کار خبرنگاری ام استقبال کردند. خوشبختانه

خودش در غزنی نبوده خودش در کابل بوده اما همان خشم خود را بالای وسایل خانه اش اینا خالی کرده اند. خانواده من در افغانستان است مثل من هزاران خبرنگار دیگر و یا شاید ده ها خبرنگار دیگر خودشان در کشور های بیرونی زندگی میکنند ما حق اینرا داریم که صدا بلند کنیم حق و اجازه اینرا داریم که حرفی بگویم اما ترس کلان و بزرگ ما این است که پدر مادر خواهر برادر ما در افغانستان است. ده ها خبرنگار تیر باران شدند به جرم بیان حقیقت به جرم بلند کردن صدای مردم. اینقدر در شبکه های اجتماعی و رسانه ها اینا نفوذ کرده اند که تمام شبکه های اجتماعی را باز کنید قسمی نشان میدن که فضای افغانستان فضای کابل گل و گلزار است، همگی در آرامش بسر میبرند همگی بسیار آرام هستن و بسیار راحت هستند. اینقدر آرامش روحی و جانی و امنیتی را اینا در طول یک هفته تجربه میکنند که در طول بیست و یک سال گذشته تجربه نکرده بودند. تمام اینا فقط تبلیغاتی است که بخاطر به رسمیت شناخته شدن شان به دنیا نشان میدن **مینو همتی:** ویدای عزیز شما از فعالین مدنی و فعالین حقوق زنان هستید که موفق شدید که به حساب جان تانرا نجات دهید، دوست دارم که از اوضاع و احوال کابل برای بینندگان مان توضیح دهید، زنان در چی وضعیتی هستند، موقعیت چطور است بفرمایید؟

ویدا ساغری: اتفاقا این وضعیت بد از این چند شب پیش آغاز نشده این وضعیت از یکسال اخیر آغاز شده، از زمانی که امریکایی ها به نمایندگی آقای خلیل زاد شروع کردن به رسمی ساختن یک گروه سفاک تروریستی بنام طالبان و اینا را در روی میز های بین المللی رسمیت دادند به اینا در قطر دفتر باز کردند و اینا را به صلح رعونت کردند و به اشتراک سیاسیون. از همان زمان آغاز شد، چطوروری آغاز شد اینکه شروع کردند طالبان و تمامی نیروهای آپازسیون بخاطر ضعیف ساختن حکومت یا

ضعیف نشان دادن وضعیت و فضا به نفع طالبان و ترور های هدفمند و با ترور های هدفمند با انتحار، انفجار و طوری که حتا شما شاهد بودین که کودکی در شکم مادرش امن نماند و مادری حامله در اسنای یا زمان ولادتش به ترور گرفته شد. زنان زیادی فعال مدنی و ژورنالیستان و فعالین حقوق زنان، فعالین سیاسی ترور شدند تعداد زیادی در یکسال اخیر. و فضای فرار فرار و فضای اختناق و زندگی های پنهانی هم از همان زمان آغاز شد. من از اون زنانی بودم که همکار من هم خانم فرشته جان (هدفش بهشته) که از همینجا برش سلام میفرستم، فرشته عزیز هم از جمله دخترانی بود که مجبور شد که پناهنده شود و دخترانی مثل فرشته و تعدادی زنان دیگری، منم از او جمله زنانی بودم که زندگی پنهانی منم از آغاز شد. یکسال زندگی پنهان زیر چادری داشتم در ولایات مختلف مجبور به ریلوکیشن یا تبدیل منزل یا آدرس خودم بودم. در دو ماه پسین بالاخره مجبور شدم که تبعید را بپذیرم و قبول بکنم و از کشوری که مربوط طالبان میشود. باید بیرون میامدم. در این چند شب اخیر حدود نیمفهمم دیگه حساب این بحث ها از دست مان رفته دیگه زمان را حساب نمیکنیم دیگه و میپردازیم به وقایع دم به دم دقیقه به دقیقه. فکر میکنم رسیده به ده شب یا شش شب اگر دوستان کمکم بکنند، در این هشت، ده شب کابل دیگر کاملا از دست مان رفت، کابل دیگه از کابل تبدیل شد به یک خانه ای یا لانه ای کامل تروریستان به صورت رسمی یا حقانی مردی سفاکی که سالهای سال ترور کرد انتحار کرد انفجار کرد آدم کشت به میلیون ها انسان را به دست خودش و به فرمان خودش کشت وارد کابل شد و هیبت الله وارد کابل شد و لیست سیاه جهان وارد کابل شد و به مردم عفو عمومی دادند. چقدر مضحکی تاریخی و چی اقتضای تاریخیست. اون جمله ای که چند دقیقه پیش من و سحر جان داشتیم رویش صحبت میکردیم. **ادامه صفحه ی ۱۷**

منطقه یوتا پلاتسن شهر گوتنبرگ به سمت میدان گوستاف آدلف ادامه داشت.

راهپیمایی با شعار های زنان افغانستان آزادی می خواهند، زنان افغانستان برای آزادی میجنگند، نه به طالبان و رژیمشان، زنان افغانستان را نجات دهید به سه زبان سوئدی، انگلیسی و دری سر داده شد.

سپس دو تن از زنان حزب کریستو دموکرات ها برای سخنرانی اشتراک کرده و در سخنان خود ابراز همدردی و اعلام همبستگی با زنان در افغانستان کردند.

در آخر مراسم با سخنرانی ماریا یوسفزی، تاج سیرت، خانم ریزه سیرت و با اجرای نمایشنامه یی توسط فاطمه و گروهش و خواندن قطع نامه به دو زبان سوئدی و دری

روز همبستگی زنان جهان با زنان مبارز در افغانستان

سحر صامت، خبرنگار رهایی زن



خاتمه یافت. ناگفته نماند گرداندگی این مراسم را دختر جوانی به نام زینب به زبان سوئدی به عهده گرفته بود.

رسانه های مطرحی مانند تلویزیون رهایی زن، بی بی سی، تلویزیون آشنا صدای آمریکا و همچنان رادیوی صدای آمریکا نیز این تظاهرات را پوشش دادند. /

حکومت امارات اسلامی به خاطر قوانین و قواعد ضد بشری این گروه بود.

طبق قوانین شریعت اسلامی طالبان، زنان حق ندارند در اکثر عرصه های اجتماعی و سیاسی حضور داشته باشند. طالبان نیز مقطع تحصیلاتی دختران را نیز محدود کرده و به آنها اجازه می دهند که تا صنف ششم درس بخوانند.

حالا با ایجاد چنین شرایطی وضعیت زنان تحصیل کرده و زنانی که سرپرستی خانواده را به عهده دارند، به سمت تاریکی و پوچی سوق داده شد. حال موضوع دستاورد های بیست سال اخیر زنان در افغانستان، حقوق انسانی و استقلال اقتصادیشان مطرح است. در روز ۱۰ ام اکتوبر، زنان در افغانستان به خیابان ها رفته و سر دادن شعار هایی مانند نان، کار و زندگی، حقوق انسانی و اجتماعی خود را از گروه طالبان مطالبه نموده اند.

در شهر گوتنبرگ نیز ماریا یوسفزی، ریزه سیرت، تاج سیرت، فاطمه و سحر صامت تظاهراتی را برای اعلام همبستگی با زنان افغانستان برگزار کردند.

<https://youtu.be/wV7aVPE9FmY?t=2644>

روز ۱۰ ام اکتوبر مصادف است با روز جهانی مبارزه علیه اعدام. اما امسال بر حسب اتفاقات سیاسی جاری و سقوط دولت افغانستان، زنان اکثر شهرهای جهان صدای اعتراض خود را علیه طالبان و رژیم شان بلند کردند.

این اعتراضات که به نشانه همبستگی زنان جهان با زنان در افغانستان بود، همزمان در سه کلان شهر سوئدن نیز برپا شد. روز یکشنبه تاریخ ۱۰ ام اکتوبر در سه شهر استکهلم، گوتنبرگ و مالمو



زنان و مردان آزادیخواه تجمعاتی را علیه رژیم طالبان و برخوردشان با زنان و حقوق انسانی زن برپا کردند.

خواست برگزار کنندگان این اعتراضات از کشورهای غربی، به رسمیت نشناختن طالبان و

سایت نشریه رهایی زن

<https://>

rahaizanorg.blogspot.com

به سازمان رهایی زن بپیوندید

معرفی نیمرخ

نیمرخ، رسانه‌ی ویژه‌ی زنان در افغانستان



نیمرخ رسانه ویژه‌ی زنان است که به تاریخ ۲۸ اگست ۲۰۱۷ در کابل آغاز به فعالیت کرد. نشرات نیمرخ شامل چاپ و توزیع ۲۰۰۰ نسخه هفته‌نامه در کابل، پایتخت افغانستان و ولایت‌های بامیان، پروان، کاپیسا، پنجشیر، دایکندی و غزنی و نشرات آنلاین در وبسایت Nimrokhmedia.com، فیسبوک، توئیتر، یوتیوب، انستاگرام و تلگرام است.

نیمرخ به موضوعاتی مانند تأمین برابری جنستی در جامعه، محو خشونت علیه زنان، آگاهی زنان از حقوق و آزادی شان، نقش زنان در امور اجتماعی-سیاسی جامعه و تابوهای اجتماعی در مورد زنان و فمینیسم در قالب گفت‌وگوهای ویژه، خبر، مقاله، ترجمه، گزارش‌های تحلیلی و تحقیقی می‌پردازد.

فعالیت‌های انجام شده

نیمرخ تاکنون ۱۵۲ شماره هفته‌نامه و ده ویژه‌نامه منتشر کرده و صفحات آنلاین نیمرخ نیز توسط ده‌ها هزار مخاطب دنبال می‌شود که به صورت میانگین هر ماه بیشتر از ۲.۶ میلیون نفر مطالب نیمرخ را مشاهده می‌کنند.

هویت زنان

با زنانگی یا هویت‌زنانه در جامعه افغانستان هنوز به عنوان یک تابو برخورد می‌شود. از همین رو نیمرخ در نزدیک به پنج سال فعالیت همواره تلاش کرده است با تابو پنداری هویت‌زنانه مبارزه

کند و فهم جدید و امروزی از زن، زنانگی و هویت زنانه ارایه کند و برخوردهای تابو انگارانه به هویت زنانه را به چالش بکشد. مهم‌ترین موضوعات و کارزارهایی که نیمرخ در این عرصه ایجاد کرده و به آن پرداخته، قرار ذیل است:

۱- نام من کجاست؟

۲- جشن طلاق

۳- حق مالکیت بر بدن

۴- منع آزمایش بکارت

۵- سکوت را بشکنیم (منع آزار جنسی)

۶- قاعدگی تابو نیست

۷- هویت زنان در اسناد دولتی (نام مادر در اسناد معارف و تذکر)

ویژه‌نامه‌ها

-ویژه نامه ۱۰۰ شماره‌گی نیمرخ ۲۰۱۹

-ویژه نامه حقوق بشر ۲۰۱۹

-یژه نامه هشت مارچ روز همبستگی زنان ۲۰۲۰

-ویژه نامه فصل نا تمام صلح ۲۰۲۰

-ویژه نامه هشت مارچ اعتراض سرتاسری زنان ۲۰۲۱

-ویژه نامه جشن نوروزی ۲۰۲۱

-ویژه نامه روایت زنانه از ۷ و ۸ ثور ۲۰۲۱

-ویژه نامه نسل کشی خاموش ۲۰۲۱

-ویژه نامه قاعدگی تابو نیست ۲۰۲۱

-ویژه نامه زنان و صلح ۲۰۲۱

اهداف عمومی نیمرخ

نیمرخ به عنوان یک رسانه زنانه با تمرکز بر حقوق زنان و برابری جنسیتی در جامعه کوشیده است نشرات و کارزارهای آگاهی‌دهی و دادخواهی اش را روی موضوعات ذیل به پیش می‌برد:

-تلاش برای تحقق عدالت جنسیتی و برابری جنستی در افغانستان

-تلاش برای شکل‌دهی یک گفتمان جدی میان زنان در قبال حقوق مدنی-سیاسی زنان

-تلاش برای حمایت از مشارکت سیاسی زنان

-نقد و بررسی حضور نمادین زنان در نهادهای

دولتی و غیر دولتی

-تلاش برای مبارزه با خشونت علیه زنان

-تلاش برای تابو زدایی از هویت زنانه

-نقد و بررسی فرهنگ مردسالار

-جندر و تأثیر آن بر قدرت، ثروت، آموزش،

حکومتداری، پارلمان و قانون گذاری در کشور

-مستندسازی وضعیت حقوق بشری زنان در افغانستان

نیمرخ اکنون در چه وضعیت قرار دارد؟

نیمرخ طی چهار سال گذشته با جذب تبلیغ

بازرگانی و حق اشتراک از مخاطبان بودجه‌ی

سالانه‌اش را تأمین می‌کرد و به طور اوسط در

هر سال پنج نفر به صورت منظم در دفتر

نیمرخ مشغول به کار بودند. از جنوری ۲۰۲۰ تا

مارچ ۲۰۲۱ به مدت پانزده ماه جامعه باز

افغانستان یا OSF به مبلغ ۲۳ هزار دالر

امریکایی برای نیمرخ کمک کرد تا سیستم‌های

مالی-اداری، پلان‌های کاری و پالیسی‌های

متعددی را طرح و تدوین کند که بدین منظور

تعداد کارمندان نیمرخ تا دوازده نفر همزمان

افزایش یافت.

اما از ماه مارچ ۲۰۲۱ بدینسو با آنکه نیمرخ

پشتوانه‌ی مالی نداشت بازهم به نشراتش ادامه

داد و به مهم‌ترین موضوعات مرتبط به حقوق

زنان پرداخت. وجوهی که از آدرس حق

اشتراک به نیمرخ می‌رسید بسیار اندک بود. به

همین خاطر صاحب امتیاز و مدیر مسئول

نیمرخ بخشی از بودجه‌ی ماهانه نیمرخ را از

هزینه‌ی شخصی‌اش می‌پرداخت، اما اداره‌ی

نیمرخ در ماه‌های اخیر از کرایه دفتر، پول

چاپخانه و چند ماهه معاش کارمندانش بدهکار

مانده است. پس از ۱۵ اگست یعنی از زمان

روی کار آمدن نظام طالبان نشرات چاپی نیمرخ

متوقف شده و تنها بخش آنلاین نیمرخ فعال

است. با آنکه اکثریت کارمندان نیمرخ در کابل

زندگی می‌کنند ولی بخاطر مسایل امنیتی

مکان مشخص و امکانات لازم برای پیشبرد کار

و جلسه ندارند /

بر زنان تحت ستم در افغانستان چه میگذرد
پروانه عظیمی



نیم قرن است که مردم افغانستان در منجلاب جنگ، ناامنی، خشونت، فقر، بیکاری، بی سوادی و دهها معضل اجتماعی دیگر و در شرایط سخت و طاقت فرسا زندگی می کنند. در جریان حمله آمریکا به افغانستان، در بیست سال گذشته یکی از خواسته های آنها پایان اشغالگری آمریکا/ ناتو بود و ایکاش با بردن بنیان گرایان اسلامی دست پرورده شان، می گذاشتند مردم افغانستان خودشان سرنوشت خودشان را رقم بزنند. این اشغال فقط خونریزی، ویرانی، گرسنگی، ناامنی، غارت، چپاول و هرج و مرج را به ارمان آورد و افغانستان را به فاسدترین، ناامن ترین، خطرناک ترین مکان به ویژه برای زنان و کودکان تبدیل کرد.

پیمانکاران خصوصی نظامی، دلانان هروئین، افراد درطی اینسالها افرادی که از حمله آمریکا به افغانستان سود بردند صرفاً مرتبط با جناح های مختلف قدرتمند دولت تحت حمایت آمریکا در افغانستان بوده اند. اشغالگران تحت لوای جذاب "جنگ علیه تروریسم" خود، تروریسم را ایجاد، تقویت و پشتیبانی کردند. همه دولت های امپریالیستی بدون شک به خاطر منافع استراتژیک، سیاسی و مالی خود به کشورها حمله میکنند، اما از طریق دروغ ها و رسانه های قدرتمند می کوشند انگیزه و دستور کار واقعی خود را تحت ارزش هایی مانند "حقوق زنان"، "دموکراسی"، "ملت سازی" پنهان

کنند. از یک سو در ۲۰ سال گذشته غارت ذخایر طبیعی، مافیای مواد مخدر با سود سالانه جهانی ۶۰۰ میلیارد دلار قاچاق تریاک که در بیست سال گذشته، افغانستان را در مقام اول این تجارت در دنیا قرارداد، و از سوی دیگر استفاده از افغانستان برای تقویت تروریسم، بی ثباتی، جنگ منطقه ای و استفاده از آن برای تضعیف قدرت های رقیب به ویژه چین و روسیه، از دلایل مهم تجاوز و دست درازی آمریکا به افغانستان نام برد. فروپاشی فوق العاده سریع در افغانستان فقط تاکیدی است بر مضحکه کل "پروژه ملت سازی" که ایالت متحده مدعی شد پس از حمله و اشغال آن را آغاز کرده است

مردم تحت ستم افغانستان به ویژه زنان و کودکان در یکی از حساس ترین دوره های تاریخ خود قرار دارند. جنگ، فقر، بیکاری، مهاجرت، اعتیاد، شیوع گسترده و مرگبار کووید ۱۹، شکاف عمیق و رو به گسترش نابرابری های اجتماعی، افزایش خشونت علیه زنان و کودکان و تحمیل دوباره گروه تروریستی و اسلام سیاسی طالبان بر سرنوشت مردم، همه شهروندان را وحشت زده، زمین گیر، در یاس و ناامیدی، ترس و بی افقی فرو برده است. مردم هولناک ترین و غم انگیزترین روزهای حیات خود را با از دست دادن عزیزان، بستگان، ویرانی در اثر جنگ ارتجاعی سپری می کنند. ریشه کل این سیه روزی ها، طالبان و همه گروه های تروریستی از شاخ آفریقا تا قلب آسیا، از پاریس تا کابل، واشنگتن تا خاورمیانه، محصول مستقیم و فرآورده سرمایه داری جهانی است، که به جای آزادی، نان، مسکن، دارو، تحصیلات، رفاه و مجموع امکانات و نیازمندیهای آسایشی، جنگ، فقر، نابرابری، خشونت، تفرقه و جنایات هولوکاست را به مردم و تهیدستان تحمیل می کند

زنان آگاه افغانستان میدانند که سرنوشتی بهتر از زنان ایران در پیش رو نخواهند داشت. طالبان همچون جمهوری اسلامی از ستم بر زن و بخصوص با مسلط کردن فرهنگ مردسالاری و ایجاد شرایط لازم برای استثمار هرچه شدیدتر زنان، برای بردن سودهای کالان برنامه ریزی کرده است. جمهوری اسلامی در طی ۴۳ سال گذشته، با زنده کردن آیین و سنت های اسلامی و اعمال وحشیانه اعمار پیشین، زنان را مورد تحقیر، توهین قرار داده و آنها را مجبور کرده به اصطلاح حجاب اسلامی بر سر کنند و با این کار حق انتخاب پوشش را برای اعمال کنترل بیشتر، از آنها سلب کرده است و با نام و قوانین مجازات اسلامی، وحشیانه ترین و متحجرترین روشهای سرکوب را علیه زنان به کار گرفته است. آنها سعی کردند با استفاده از آیه و حدیث به زنان در کل جامعه بقبولانند که به راستی زنان فرودست و مردان فرادست هستند و باید چنین باشد. سرمایه داران از این مسئله سود می برند و از زنان برای نیروی کار ارزان بهره گیری می کنند، و از این طریق سطح مزد کل جامعه را پایین نگه داشته اند و به استثمار مردانه می پردازند. با محرم و نامحرم، زن و مرد را در تمام سطوح جامعه از هم جدا نگه داشته و باعث جدا کردن مبارزات زنان و مردان شده و از اتحاد مبارزات آنها جلوگیری میکنند. شکی نیست زنان ایران و افغانستان برای گسست تک تک زنجیرهایی که به دست و پایشان بسته شده مجبور به مبارزه هستند، مبارزه با قانون هایی که علیه آنها قید شده و برای به دور ریختن همه قوانین ضد زن در جمهوری اسلامی و افغانستان طالبانی. مبارزه برای جزیی ترین تا اساسیترین مطالبات زنان. اتحاد زنان و مردان در این مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و طالبان و از بین بردن سیستم سرمایه داری که عامل اصلی همه ستم هایی است که بر زنان تحمیل می شود، از ضروریات است.

متن سخنرانی **شراره رضائی** در حمایت از مردم و زنان افغانستان
مقابل مقر اتحادیه اروپا بروکسل / بلژیک



زنیم ما صدای زنان یک کشور هستیم و هرگز خاموش نمیشویم. ما اینجا جمع شدیم تا علاوه بر اعلام حمایت و همبستگی همه جانبه از مبارزات مردم افغانستان و زنان افغانستان، بگوییم علیه هرگونه ارتجاع و حکومت اسلامی میایستیم و نباید اجازه بدهیم که دیگر کشورهای غربی و اتحادیه اروپا طالبان را به رسمیت بشناسند.

هرگونه مشروعیت بخشیدن و نشست با طالبان از سوی کشورهای دنیا همدست بودن در جنایت و تجاوز طالبان است. تا آخرین نفس علیه طالبان خواهیم ایستاد و همصدا با زنان افغانستان فریاد می زنیم نه گلوله نه گیوتین و نه سربریدن نمی تواند صدای جنبش آزادی خواهان و جنبش زنان را خاموش کند.

مرگ بر طالبان از کابل تا تهران



شود. فشار بر روی زنان و محدودیت ها و محرومیت ها تشدید می شود تا کاملا زنان از هر نوع حقوقی محروم کنند و به حاشیه برانند.

خوشبختانه فعالین زنان و آزادی خواهان در این بربریت و توحش هرگز سر تعظیم فرود نیاموردند و نخواهند آورد. گواه این ادعا حضور هر روزه ی زنان مبارز افغانستان در خیابان ها علیه ارتجاع اسلامی ست. آنها خطر را به جان می خردند، به خیابان ها می آیند و فریاد می زنند حاضر نیستند به بیست سال پیش و به عقب برگردند.

زنان، امروز در افغانستان زنان بیست سال پیش نیستند. زنان افغانستان روزهای ذلت بار بیست سال پیش طالبان را با تمام گوشت و پوست شان تجربه کرده اند. هیچ عقل سلیمی نمیپذیرد که باندهای اسلامی با قوانین شرعی سنگسار کردن، قطع دست و پا، سر بریدن و تجاوز و به بردگی گرفتن زنان را کنار بگذارند. چونکه ماهیت حکومت اسلامی بر اساس اینها بنا شده است.

ما زنان از تهران تا کابل متحد و مبارز تن به این بی حقوقی نخواهیم داد و فریاد می

بعد از بیست سال مبارزه ی هر روزه ی زنان مبارز افغانستان علیه ارتجاع و بدست آوردن حداقل های حقوقی انسانی شان، تنها در عرض یک هفته با بده بستان های پروژه غرب و به سرکردگی آمریکا همه چیز دود شد و به هوا رفت.

نیروهای ارتجاع منطقه و در راس آن دولت افغانستان با لابی گری با آمریکا کشور و مردم افغانستان را دو دستی تقدیم فرزند خلف شان طالبان واگذار کردند و در یک چشم برهم زدن افغانستان سقوط کرد.

صحنه ی کشتار و قتل عام مردم و بخصوص جستجوی خانه به خانه برای به نکاح در اوردن دخترکان دوازده ساله در آغاز قدرتگیری و وحوش طالبان با بی شرمی کشتار و در سکوت شرم آورد و بی تفاوتی دنیای غرب همراه شد. این روزهای سیاه حکومت طالبانی یادآور روزهای سیاه قدرت گرفتن حکومت اسلامی ایران و سرکوب زنان که مشخصه ی بارز حکومت های اسلامی و بنیادگرایان اسلامی ست. ضدیت با حقوق زنان و آپارتاید جنسی با استقرار حکومت های اسلامی شکل می گیرد و تثبیت می

مصاحبه روزنامه سوئدی در شهر بوروس با
سحر صامت خبرنگار رهایی زن



یک تن از بوروس نشینان با تمرکز روی مسایل افغانستان می گوید " همه چیز نابود شد "

سحر صامت یک تن از خبرنگاران شهر بوروس با آشفستگی به خبرگزاری بوروس می گوید: زمان آن رسیده که از صدایم را رساتر کنم از وقتی که دوستان خبرنگارم محکوم به سکوت شده اند. هیچ چیز نمی تواند مانع سرازیر شدن اشک هایم شود. همه چیز در این جنگ از بین می رود. خانه ها ، مدارس و حتی آزادی. چندین شب است که غصه و نگرانی از وضعیت سیاسی و امنیتی خواب را از چشمانم دزدیده .

شب سه شنبه در نزدیکی پنجره ی یک تن از خبرنگاران در کابل صدای تیر اندازی به وضوح شنیده می شود. او با دوربین موبایل خود از تیراندازی تصویر برداری میکند و آن را با یک پیام کوتاه برای سحر صامت ارسال میکند. او در پیام خود چنین می نویسد: امشب طالبان رفتن نیروهای نظامی آمریکایی و ناتو را جشن می گیرند. این صدای تیراندازی شادبانه آنها به خاطر تحویل گرفتن افغانستان از دست دولت سابق و نیروهای خارجی است. سحر صامت اظهار داشت: سرنوشت افغانستان به سمت تاریکی رفت. از ناراحتی دیگر خوابم نمی برد نمی دانم چه اتفاقاتی قرار است رخ دهد . او در افغانستان به دنیا آمده و حدود ۱۱ سال پیش به سوئد مهاجرت نموده است (البته اینکه من

افغانستان به دنیا آمدم رو خودشون نوشتن. من در مورد آمدنم به سوئد حرف زدم). سحر از شهر بوروس به صورت خبرنگار آزاد با یک تلویزیون فارسی زبان به نام رهایی زن که تمرکزش روی مسایل مربوط به حقوق زنان و کودکان و یک تلویزیون افغانی است کار می کند (در حالی که من گفتم من مسوول بخش افغانستان هستم) فعالیت دارد. فعالیت های سحر را با رسانه های بین المللی مانند سی ان ان، بی بی سی و صدای آمریکا هم می توان مشاهده کرد. هیچ آمار و ارقام دقیقی از مشکلات زنان در افغانستان دست نیست. حتی تعداد زیادی از زنان فاقد هویت اند. سحر می گوید وظیفه ما خبرنگاران این است که گزارشات بیشتری از وضعیت زنان در افغانستان تهیه کنیم و صدای آنها باشیم. ما برای حقوقی می جنگیم که در کشور سوئد سالها پیش برای این حقوق جنگیده شد به طور مثال همین هویت. در حال حاضر و با وضعیت پیش آمده ، رسانه ها تقریبا غیر فعال شده اند و اکثر خبرنگاران از ترس اینکه توسط طالبان شناسایی نشوند خود را پنهان کرده اند .

سحر می گوید بیشتر خبرنگاران در افغانستان به اطلاع رسانی وضعیت کنونی توسط رسانه های بیرون از مرزهای این کشور چشم دوخته اند. آنها امیدوار اند تمرکزی که رسانه های جهانی به مسایل افغانستان کرده اند باعث جلب توجه مردم جهان شده و

حس واکنش به مساله وضعیت امنیتی و کمک را در جهانیان بیدار کند. هیچ چیز نمی تواند مانع ریختن اشکهایم در این روزها شود. از این که مردم بی خانمان شده اند، مدارس بسته شدند و آزادی از بین رفت. سحر صامت می گوید: از این که کاری از دستم ساخته نیست حس ناامیدی و پوچی دارم. در این هفته های آخر عکس هایی از نگرانی های مردم افغانستان در سراسر جهان منتشر شده است. هواپیما هایی پر از مسافر و بیش از گنجایش معمول، سقوط افراد از بال هواپیما و مادری که کودک نوزاد به آن سوی دیوار خاردار به دست سربازان خارجی می سپارد تا جان کودک خود را نجات دهد. اشک های سحر صامت موقع تشریح آن صحنه ها سرازیر می شود. او می گوید انسان های زیادی در این مدت زمان جان های خود را از دست دادند.

سحر می گوید، اکثر دوستان خبرنگارم خانه نشین شده اند و از ترس طالبان حتی بیرون نمی روند و حتی آدرس های خود را ترک کرده اند. تمام پیشرفت و دستاورد ها همراه با فرار سیاستمداران، مسدود شدن بانک ها و برکنار شدن پلیس و امنیت از بین رفت .

اکثر دختران نیز جرات نمی کنند بیرون بروند.

آنهایی هم که از اوی اجبار بیرون می روند نیز باید حجاب خود را طبق میل طالبان رعایت کنند. در حال حاضر امکان فیلم برداری عکس برداری به صورت رسمی و قانونی وجود ندارد. دیگر شانس گفتن حقیقت از طریق رسانه از بین رفت. اما فیسبوک در میان مردم افغانستان طرفدار زیادی دارد و تعداد زیادی کاربری سحر صامت در فیسبوک را دنبال می کنند. او بیش از ۲۱ هزار نفر دنبال کننده دارد

محکومیت امارت اسلامی طالبان در تظاهرات گوتنبرگ سوئد

گزارش از سحر صامت



نمانده ونمیمانند حس ازادیخواهی در رگ رگ وجود شان جریان دارد که زن ومرد شب وروز در کوچه ها نعره ازادی بلند میکنند وکردند. زنان به هیچ عنوان شلاق ستم وفرهنگ مرد سالاری وبربریت ومذهب تجارتي را نمی پذیرند .

همانطوریکه امریکا فرارشم اور داشت وبا اجیرانش این دولت هم به قیام های مردمی وملی مردم شکست میخورند .

حاکمیت طالبانی وشرکا وحمايت کننده گان شان نیز محکوم به شکست تاریخی میشوند . طالبان و شرکا وحامیان شان باید بدانند که: افغانستان به مردم افغانستان تعلق دارد و خواهد داشت..

زننده باد آزادی / زننده باد افغانستان

سخنرانی جاسمین پوسیو نماینده حزب چپ شوئد

سلام اسم من جاسمین پوسیو هست و یکتن از نمایندگان حزب چپ سویدن در پارلمان هستم.

از دیدگاه من مداخله نظامی در آن کشور راه حل نیست بلکه ما از طریق همبستگی سیاسی باید برای پیشرفت و توسعه افغانستان تلاش کنیم.

از لحاظ دیدگاه سیاسی حزب ما، حمایت از افغانستان باید ادامه داشته باشد.

ما برخلاف تعداد زیادی از احزاب که میگویند باید کمک ها را به افغانستان کم کنیم، معتقدیم که حمایت ها بدون کم و کاستی به افغانستان باید ادامه داشته باشد.

همچنان تمام سیاسیون در صحنه باید صدای خود را برای حمایت و دفاع از فعالیت حقوق بشر، خبرنگاران و دیگران با موقعیت های شغلی واجتماعی بلند کنیم.

ما به تنهایی نمیتوانیم وضعیت زنان و کودکان را بهبود بخشیم، بلکه خود مردم افغانستان نیز باید در این زمینه فعالیت کنند .

در بیست سال گذشته حدودا نیم میلیون

بالای زنان ومردم است .

زامداران خودفروخته وتامغز استخوان خاین وجنایت کار درسراسر افغانستان کوشیدند تا قدرت سیاسی را به طالبان و حمایت کننده های شان رسمن بسپارند و تسلیم آی اس آی پاکستان و سازمانهای استخباراتی امریکا وشرکای شان نمایند .

طالبان مدعی اند که مردم به آنها تسلیم شده و گویا بیعت نموده اند، اما مردم در میدان هوایی کابل نشان دادند که خواهان فرارشان از استبداد طالبانی است و تاامروز هم ادامه دارد. به صدها انسان بیگناه برای نجات شان قربانی درمیدان هوایی به خاک وخون کشیده شد .

زنان و مردم ازادیخواه هیچ وقت زیر بارستم نمیگردند. اینبار امریکا شکل اشغالش به اجیر خود فروخته ISI بنام امارت اسلامی طالب تغییر داد اینرا همه میدانند که امریکا اشغال گر طی بیست سال برای تکمیل پروژه خود بنام دیموکراسی داعش وطالب والقاعده یکی بعد دیگری برای نابودی ملت بالای مردم تحمیل کرد مثل عراق، سوریه، لیبیا ویمن...

فرار شرم اور امریکادرتاریخ سپاه ثبت شده است. ملت ازاده مادر برابرهیچ اسارت ساکت

<https://youtu.be/pY7JsRpJuYA>

گزارش سحر صامت در روز یازده سپتامبر مهاجرین افغانستان، ایران و شهروندان سوئد یکصدا علیه حاکمیت طالبان و حامیانشان سخن گفتند. با سپاس از سحر صامت برای تهیه و ارسال این گزارش. سخنرانان عبارت بودند از ماریا یوسفزی، یاسمین پوسیو، هانس لیده نمایندگان فعلی و سابق حزب چپ در پارلمان سوئد، خانم سارا و صدای یک زن از افغانستان و پریسا شهروند افغانستان مقیم سوئد .

سخنرانی ماریا یوسفزی

سلام به افغانستان دردمندم که هزاران فرزند خودرا بخاطر ازادی و تمامیت ارضی افغانستان در طی چهل سال به خاک دفن کرده اند! هزاران سلام به هزاران سپاهی گمنام و خانوادها ی که فرزندانشان گلگون کفن گردیده اند درود به روان پاک زنان که زنجیر استبدادرا در محکمه صحرائی تیر باران وسنگسار شدند . مهمانان گرمای! ازایکه در حرکت انسانی مارا همراهی میکنید و با زنان بی صدا سرزمینم افغانستان همصدا شدید سپاسگذارم .

اشغال اشکارا افغانستان یوم ۱۵/۸/۲۰۲۱ باردیگر ثبت تاریخ گردید. وسر خط اخبار جهان شد اما جهان نظاره گر فجایع قرون وسطایی

در افغانستان برای تعلیم به مدرسه میرفتند، اما امروز بیش از ۸ میلیون کودک در حال تحصیل اند، و تحصیلات کودکان باید ادامه داشته باشد. همچنان امروز زنان در افغانستان وارد جامعه شده و کار در پست های به طور مثال، فعالان سیاسی و خبرنگار فعالیت دارند و در ساختار و شکل گیری جامعه نقش مهمی ایفا می کنند. آنها باید حمایت شوند و ما نمی توانیم حمایت های خود را به روی آنها قطع کنیم. کمک های ما قرار نیست در جیب طالبان برود، بلکه به جامعه افغانستان اهدا شود.

ما سال های سال بر روی موضوع پناهجویی تمرکز کردیم. به هیچ صورت عقلانی نیست که پناهجویان به افغانستان باز گردانده شوند. این عقلانی نیست که به مردم اقامت و حق ماندن داده نشود با توجه به جنگ جریان دارد و هزاران آدم بیگانه جان های خود را از دست دادند. پس به این نتیجه میرسیم که افغانستان جای امنی نیست، قطعاً نمی شود بدون اقامت در سوئد زندگی ساخت و کار کرد. باید به پناهجویان امکانات کار کردن و درس خواندن داده شود.

RFSU هانس لینده، نماینده سابق مجلس و

رئیس هیات مدیره سخنرانی

حدود ۱۰ سال پیش فرصت سفر به افغانستان برایم مهیا شد.

من از شهر های کابل، مزار شریف و سمنگان دیدار کردم. در این سفر من با تعداد زیادی از مردم فوق العاده شجاع که برای کشور خود، زندگی و هموطنان خود تلاش می کردند، افغانستان ملاقات داشتم. در پروژه I back که توسط کمیته (سوئدین افغانستان) در حال اجرا بود و مربوط به آموزش دوره های زنان و زایمان و مکاتب در سمنگان می شد. در راه دیدار از این آموزشگاه ها یک کیلو بادم از بازار محلی خریدم. هنوز هم تعدادی از آن بادم ها را در یک کاسه روی میز آشپزخانه به عنوان یادگاری از افغانستان و جلساتم در این کشور نگه داشتم. من پشیمانم از این که چرا مقدار بیشتری از این بادم ها را برای یادگاری (اشیایی که می شود به عنوان یادگاری نگه داشت) با خود نیاوردم. اما در

به ۲۰ سال گذشته برگرداند زیاد است. از این که دختران با پدیده کودک همسری به جای درس و تعلیم مواجه شوند. از این که باز تعداد زیادی از زنان باردار در دوران حاملگی و یا زایمان کشته شوند. طبق گفته ها و تخمین سازمان FN، تا سال آینده خطر افزایش آمار خط فقر در افغانستان به مرز ۹۷٪ می رسد. ما همین حالا شاهد خشونت های فیزیکی خبرنگاران و فعالین جامعه مدنی در خیابان های کابل هستیم. اگر ما حالا به افغانستان پست کنیم آزادی میلیون ها افغان تحت فشار و خشونت طالبان از بین می رود.

وقتی در کابل بودم به یک تپه رفتم، جایی که آسمانش پر گودی پران ها (بادبادک های) رنگارنگ بود. در آن زمان یک نوجوان افغان با اشاره با انگشت شهر را به من نشان داد و گفت؛ امپراتور ها در این شهر برای مردن می آیند. افغانستان سالها مورد توجه سیاستمداران انگلستان، شوروی سابق، آمریکا، پاکستان و چین است. سالها مردم افغانستان قربانی جنگ های سیاسی شده اند.

پشت تمام جملات زیبا، بیانیه های قشنگ ایجاد آزادی و امنیت برای مردم افغانستان فراموش شد. هر بار مردم افغانستان تاوان زیادی برای جنگ دیگر کشورها در افغانستان را متقبل می شوند. جواب فاجعه انسانی که در حال حاضر در افغانستان به وقوع پیوسته توسط کشورهایی که از افغانستان برای پلان جنگ سیاسی خود به بازی گرفتند چیست؟ تا زمانی که کشورهای دیگر برای قدرت سیاسی میجنگند آرامش و آزادی مردم افغانستان کاملاً غیر ممکن است. من افراد شجاعی را در افغانستان ملاقات کردم، زنان و مردانی که برای آرامی، برابری و آزادی وطن تلاش کردند. تمام آن افغان ها و شما که به آینده افغانستان باورمند اید، شما امید افغانستان هستید.

شماهایی که قرار است آینده باشید به کمک و همبستگی جهانیان نیاز دارید. حالا زمان ناامیدی نیست، حالا وقت پست کردن به افغانستان نیست. حالا افغانستان و مردمش بیشتر از گذشته نیاز به حمایت و همبستگی دارد.

مقابلش خیلی خاطرات قشنگی را از این سفر با خودم به همراه دارم. من هیچگاه مهمان نوازی مردم افغانستان را فراموش نخواهم کرد، زمانی که من مانند یک مهمان در آن سرزمین بودم. من هیچ وقت بوی شکوفه های درخت بادم را فراموش نخواهم کرد. من هیچ هرگز زیبایی کوه های افغانستان را فراموش نخواهم کرد. و هیچ وقت ملاقات هایم با قابله های جوان و شجاع را فراموش نخواهم کرد. زنان جوانی که برای فراگیری دانش و نجات جان انسان های این کشور و خواهران خود و خانواده های خود را ترک می کردند.

زمانی که طالبان قدرت را به دست داشتند فقط ۴۶۷ قابله در کل افغانستان وجود داشت. افغانستان بالاترین مرگ و میر نوزادان را در جهان داشت. در افغانستان خطر مرگ زنان حامله را بیشتر از سربازان تهدید می کرد. با تشکر از قابله گانی که توسط پروژه I back که توسط کمیته (سوئدین، افغانستان) دوره های آموزشی دیدند، تعداد قابله گان در افغانستان رو به افزایش شد و آمار مرگ و میر نوزادان و مادران کاهش یافت. میلیون ها کودک افغان تحت حمایت این پروژه از سواد برخوردار شدند. تعداد زیادی از افغان ها توانستند آگاهی در زمینه حقوق انسانی خود و تمرین آن را تجربه کنند. من به یاد دارم وقتی به ملاقات محصلین رشته قابله گانی توسط I back رفتم به این فکر کردم که این دختران و زنان با چه جرات و شجاعتی با وجود جنگ جرات می کنند به تحصیل خود ادامه دهند. اگر آنها بر این باوراند که برای آزادی افغانستان و آینده تلاش کنند، پس من هم باید مانند آنها باشم. من تقلب به دختران شجاع آی بک که سال های پیش این فارغ شدند و به آینه خود امیدوارم بودند فکر میکنم. ما حالا میدانیم که در حال حاضر هیچ آینده یی برای آنها وجود ندارد. همه ما میدانیم که امروز هیچ امیدی برای امید به آینده با این وضعیت خیلی سخت است. نه تنها سرنوشت و آینه آی بک، بلکه سرنوشت کل افغانستان مبهم است. من در این هفته های اخیر به کودکانی که در خیابان های نزدیک آموزشگاه مامایی مشغول به بازی بودند فکر میکنم، به آن فروشنده مهربان مردی که از آن بادم خریدم و چه اتفاقی برای آن قابله های دلاور افتاده است. خطر این که موانعی پیش روی پیشرفت و ترقی آنها قرار بگیرد و آنها را

قربانیان سرکوب، ادامه ی صفحه ۲

در یک خوانش تاریخی، زن افغانستان سال‌هاست قربانی سرکوب، انکار و فراموشی بوده اند. گاه تفکر تندرانه مذهبی در تباری با فرهنگ بسته و سنتی افغانستان زنان را سرکوب کرده‌است. چنانکه انسانیت زنان و کلیه حقوق بشری زنان را نقض و سلاخی شده است. در ۲۰ سال گذشته با آنکه فرصت طلایی برای رشد و بالندگی زنان افغانستان فراهم شده بود، نگاه مردسالار حاکم بر سیاست افغانستان و عدم نظارت درست متحدین بین‌المللی از فرصت‌ها سبب شده که زنان قربانی سیاست‌انکار شوند. سیاستی که حضور و مشارکت سیاسی معنادار زنان را انکار کرد. سیاستی که با فرصت‌های زنان برخورد نمادین و نمایی کرد. سیاست انکار در بیست گذشته مجال قدرتمند شدن را از زنان افغانستان گرفت. اما آنچه بیش از همه در پایان ۲۰ سال فرصت زنان افغانستان را به کام فاجعه سقوط داد، رویگرداندن غیر مسوولانه جامعه جهانی و حامیان بین‌المللی افغانستان نسبت به زنان این کشور بود. رویکرد فراموشی و رها کردن زنان به کام یک فاجعه.

یک درد... یک صدا... ادامه ی صفحه ۴

سلیمه مزاری یکی از زنان مبارز افغانستان است که اسلحه به دست گرفت و در مقابل طالبان مقاومت کرد. تجربه تاریخی آنان از زندگی زیر سایه طالبان به زنان افغانستانی و فعالان مدنی این کشور آموخته بود که در صورت عدم مقاومت چه بر سرشان خواهد آمد.

روشن است که از این پس زندگی زنان، کودکان، دگران‌دیشان و رسانه‌ها متأثر از «امارت اسلامی» خواهد بود و دیگر هیچ چیز همچون گذشته نخواهد شد؛ چنانچه «جمهوری اسلامی» «حق زندگی و آزادی بیان و اندیشه، آرامش و صلح و امنیت را از جامعه و کشور سلب نموده و همچنان در حال ویرانی است. اکنون دو کشور همسایه که تاریخی در هم تنیده با فرهنگ و زبانی نزدیک به هم دارند می‌روند تا با دردی مشترک به سرنوشتی مشابه دچار شوند.

زنان در همه جا و از جمله افغانستان جزء قربانیان اصلی جنگ‌های ارتجاعی هستند. زمانی که بنیادگرایان اسلامی طالبان هر بخشی از کشور را تصرف می‌کند بنا بر ایدئولوژی ارتجاعی اش همه چیز از جمله زنان را جزئی از غنائم جنگی خود می‌پندارد. برای همین هم زنان خصوصا زنان جوان را به اشکال مختلف برده جنسی می‌کند. زنان در همه جا و از جمله افغانستان جزء قربانیان اصلی جنگ‌های ارتجاعی هستند.

خوشبختانه این زنان افغانستان بودند که در مقابل این حجم از خشونت و ستم جنسیتی سکوت نکردند و بیش از همه گروهها و اقلشار دیگر جامعه به بازگشت طالبان، حساسیت از خود نشان داده اند. به همین دلیل هم با نبود نیروی انقلابی رهبری کننده به شکل خودجوش برای مقابله با نیروی طالبان آن هم در جامعه سنتی و مردسالارانه افغانستان، خود را مسلح کرده اند. این در حالی است که زنان حتی از وجود تشکلات مستقل و مبارزه جویانه خود محروم اند. در سال‌های اخیر نسلی از زنان جوان که حاضر نیستند به قوانین زن ستیزانه دولت اسلامی، طالبان و سایر مرتجعین اسلامی تن دهند، در صحنه جامعه در حال فعالیت اند. شرکت و فعالیت در زمینه‌های گوناگون اجتماعی از جمله طی کردن مدارج مختلف دانشگاهی و مسئولیت داشتن در مشاغل هم چون خبرنگار، معلم و دکتر و سهم داشتن در فعالیت‌های ورزشی و هنری و... زمینه‌های مناسبی را برای فعالیت‌های مدنی و آزادیخواهانه زنان جوان ایجاد کرده است. روز به روز تعداد زنانی که علیه سنت‌های مردسالارانه، قتل‌های ناموسی، ازدواج اجباری، خشونت‌های خانگی و... صدای اعتراض خود را بلند کرده اند، در حال گسترش است.

خشم زنان قدرت آن را دارد تا با اتخاذ بینشی رهایی بخش و سازمان‌یابی بتواند در مقابله با طالبان و سایر دولت‌های مستبد حاکم و سایر نیروهای دیگر که وجه مشترک تمامی آنان تفکرات بشدت زن ستیزانه و ارتجاعی است، بایستند. پیشبرد چنین مبارزاتی به روحیه مردم در جامعه نیز کمک کرده و زمینه‌های مناسبی را برای شکل گرفتن نیروهای انقلابی و ادامه مبارزه با هدف سرنگونی دولت‌های استبدادی حاکم و سایر نیروهای به شدت زن ستیز و ضد مردمی را در جامعه فراهم می‌سازد.



چزاره پاورزه

ترجمه از: ماریا عباسیان

تو از تپه‌هایی که

خون به رویشان پاشید

هیچ نمی‌دانی.

همگی گریخته بودیم

و اسلحه و نام را

به خاک افکنده بودیم.

زنی

نظاره‌گر گریز ما بود.

از ما تنها یکی

با مشتی گره کرده باز ایستاد،

به آسمان تهی نگریست،

سر خم کرد

و بر سینه دیوار، در سکوت

جان داد.

اکنون کهنه جامه‌ای خونین

تنها نشان اوست.

زنی

بر فراز تپه‌ها چشم براه ماست...

سرنوشت مردم و بخصوص زنان.... ادامه صفحه ۷

زنان اکثریت شان به خانه ها پنهان است، شب ها و روزها به من زنگ میزنند دوستان من اونجا درگیر هستن بند ماندند پشت دروازه های افغانستان، نمیتوانند از مرز ها حتا بیان بیرون. در هیچ ولایتی در هیچ خانه ای جایی حتا پنهان شدن هم دیگه ریسک این نامنی و بدبختی را دیگه پایین نمیآورد. دیگه کمره ها به زمین کمره هایشان به زمین گذاشته شده مایک هایشان زمین گذاشته شده. هیچ کاری دیگه نمیفهمند که چی کار کنند ما هم اینجا ماندم و نمیفهمیم چی کار کنیم.

مینو همتی: ویدا شما دوست دارم که واقعا به عنوان یک فعال حقوق مدنی به عنوان یک فعال حقوق زنان شما فعالیت های زیادی را در کابل داشتید، مستقیم با زنها. علیه خشونت با زنها میدانم فعالیت های زیادی کردید، دوست دارم که شما بگید که واقعا الان در حال حاضر مایی که داریم این صدا را میشنویم و امکان انعکاس این صدا است چی باید چی کاری از دست ما بر میاد و صحبت های شما خطاب به کلا تمام دست اندرکارانی کسانی که میتوانند به نوعی کمک کنند که توی این اوضاع خصوصا توی این اوضاع و احوال و خیم دوست دارم صحبت های شما را بشنوم بطور کانکریت چی پیامی دارید؟

ویدا ساغری: ببینید من یک چیز را میخواهم به دخترانی که نسل بعد از ما هستن و دخترانی که همنسل ما هستن و در افغانستان ماندن به هر ترتیبی ویا به خواست خودشان، یا بصورت اجباری که نتوانستن بیرون بیایند میخواهم یاد شان باشد که ما همه به هم وعدا کردیم که به عقب برنمیگردیم. یاد ما باشد که در دوره دموکراسی حالا خوب یا بد. که آقای کرزی بود یا آقای غنی بود یا چی اتفاقاتی افتاد در این بیست و یک سال همه به کنار، ما حداقل تربیون داشتیم حداقل حق اعتراض داشتیم، حداقل چیزهایی بود که همین گند حکومت گند روزگار

را ما میآوردیم خود ما نمایش میدادیم و حداقل میتوانستیم صدای ما را بیرون آوریم. در چنین فضایی یاد ما باشد که اون فضای جنگ نبود فضای تمرین بود، فضای جنگ حالا شروع شده. مرز های تمرین تمام شده و حال سنگر های ما به سنگر های اصلی جنگ امیدیم. و دختران من دوستان من و همسنگران من در بیرون از افغانستان و یا داخل افغانستان یاد شان باشد که ما تازه جنگ را آغاز کردیم. از این وحشت و بهد زدگی که در این چند شب اتفاق افتاده همه بیاییم بیرون و بیاییم روی این کار بکنیم که ما در این شرایط چی کار بکنیم. در قدم اول یک چیزی را که به خود مان بگیم این است که نباید فریب بخوریم که طالب تغییر کرده و یا امارت اسلامی میتواند به زنان حق بده بخاطر اینکه هر نظام و هر حکومت و هر تفکری یک سلسله اصول و ارزش هایی دارد که از آن نمیتواند بگذرد. شریعت، امارت اسلامی یعنی شریعت در چوکات امارت اسلامی هیچگاهی نمیتواند از اصول شرعی که عبارت از نداشتن یعنی حذف حقوق تمامی حقوق زنان، حذف آزادی بیان، حذف آزادی اندیشه و حذف آزادی رفتار های مدنی است اینا در شریعت است و اینا نمیتوانند ازش بگذرند. حکومت آخندی پیشتر یاد شد حکومت آخندی، میتوانیم بگوییم که حکومت آخندی ایران بازم بهتر از حکومت طالبانی و تحقیر آمیز داخل افغانستان است در میان بد و بدتر. خیلی متعفن است امارت اسلامی خیلی متعفن است بابت اینکه همین لحظه ده شب و ده روز است که حتا نتوانستن یک امیر را اعلان بکنند که امیر اینا کیست، نتوانستن یک هواپیما را به امنیت بالا بکنند از میدان هوایی یا پایان بکنند، میدان هوایی تبدیل شده به کربلا، بانک ها را نمیتوانند فعال کنند در اخیر همین ماه معاش مردم را چطور میدهند از کدام دستگاه میدن، با کدام سیستم مالیات را جمع آوری میکنند، دانشگاه ها را با همان طرح امارتی

خودشان چطور آغاز میکنند چطوری دختران و پسران را از هم جدا میکنند با کدام اقتصاد با کدام سیستم با کدام نظام، آخر این امارتی که از کوه ها با یک کلاشینکوف و با یک عدد موتر سایکل مثل چلیپاسه ها ریختن به درون یک نظام مدنی به درون مردمان مدنی به درون مردمانی که از حقوق شان میفهمند، مردمانی که حیثیت دارند شرافت دارند و اونا میفهمند که امروز در دنیا حق و حقوق شان چیست، اینا چطور می توانند این جمعیت بزرگ بیست و پنج میلیونی را اداره بکنند و پاسخگو باشند. آخر امروز اینقدر دنیا رشد کرده که سیستم های ریاستی دیگه با تمام کش و فش دموکراتیک خودش با صندوق های رای خودش به افتضاح کشانیده میشود و مردم راضی نیستند. چطور میتواند یک ملای امارتی مردم را راضی نگهدارد یک مردم مدنی را، چطور میتواند راضی نگهدارد جز اینکه مثل من مثل بهشته مثل هزاران تن دیگر را یا بکشند یا از مملکت بیرون بکنند بعد خودشان بدون نظام سیستم دست به روی شان بنشینند و بگویند که خب ما این هفته یا هفته های دیگر ممکن بتوانیم یک چیزی برای شما ها آماده بکنیم. این یاد دوستان من در بیرون از افغانستان و در درون افغانستان باشد که نظام امارت پاسخگوی هیچ نیاز امروزی برای دوستان من نیست و یک نظام سفاک جبار جاسوس و بدبختی است که بخاطر احراز قدرت آمده داخل افغانستان که حتا قدرت را نمیفهمد چی است و چطورى اداره اش بکند. ای کاش مثل نظام سفاک ایران یا مثل نظام عجیب و غریب عربی یا نظام عجیب و غریب اردوغانی میتوانست یک ثبات بیاورد حداقل، یک ثبات استثماری بیاورد اما آنرا هم آورده نمیتواند، این دو تا بحث. بحث سومی اینست که طالبان بخاطر مشروعیت گرفتن امارت اسلامی و تمام اون سفاکانی که من داخل پرانتز یک چیز را میخواهم بیاد دوستان بیاورم که همین سخنگوی اسم منحوش یادم نیست، این آدم بارها و بارها هر

انتحار را هر انفجار را و هر کشتار جمعی سه صدی و پنجدی در افغانستان را به عهده گرفت و امروز آمده تربیون ها نباید برایش صحبت کردن بدهند بی بی سی نباید برایش مجال صحبت کردن بدهد، سی ان ان نباید برایش مجال صحبت کردن بدهد هیچ چینالی به اینا از تربیون های آزادی بیان تربیون های ما تربیون های دموکرات ها تربیون های سیکولار ها تربیون های که اینا نظام حقوق بشری نظام انسانی و شرافتمندانه را به رسمیت میشناسند نباید این تربیون در اختیار چهارتا سفاک جبار تاریخی بگذارند و به اینا مشروعیت بدهند و اینا بیایند تدهیر بکنند تدهیر تاریخی بکنند، اینا اگر میگویند که ما تغییر کردیم اینا نمیتوانند تغییر بکنند آخر اینا را شریعت اجازه نمیدهد که تغییر بکنند، شریعت اسلامی چیزی نیست که بیاید از اصول خود بگذرد نمیتواند بگذرد آخر گناه میشود، آخه کفر در میان میاد، وقتی این دو چیز بیاید کجا میتواند یک شریعتی امارتی از اصول شرعی کنار بیاید و حق بدهد به زنان، حیثیت انسان بدهد و خیلی بحث های دیگر. دوستانی که در بیرون از افغانستان هستن مخصوصا رسانه ها زنان فعال حقوق انسانی زنان فعال حقوق جنسیتی، سیاستمداران با شرف، این قسمت را من تاکید میکنم نه سیاستمداران بی شرف، سیاستمداران با شرف در دنیا مردم افغانستان زنان گیر مانده در اون مسلخگاه را فراموش نکنند، زنان ما گیر افتاده اند در اون مسلخ گاه زنان ما کودکان ما در اون مسلخ گاه گیر افتاده اند، من از شما خواهش میکنم که کمره های تان را نگاه های تان را و توجه تان را از داخل افغانستان از مردم افغانستان بر ندارید. افتضاح جنگ جهانی دوم بعد از هتلر اتفاق افتاده، هتلر دوم دارد در افغانستان با چند دستش کار میکند هلوکاس در حالت جریان است، کوره های آدم سوزی به شکل نوینش به شکل امروزی و بدترش در حالت اتفاق است. داعش سر بلند کرده داعش داخل افغانستان

است و امروز صبا پرچم هایش را بلند میکند. زنهای افغانستان همین لحظه به نکاح اجباری داده میشن تعداد دوستان من که هزاران نفر دوست ترانس جندر اند دوستانی که دگرباش جنسی اند دوستانی که فعالیت های مدنی کرده اند دوستانی که آخر موزیسین ها هنرمندان اکتور ها یا اونای که در سینما بودند اونا همه و همه زیر فشار نکاح های اجباری و پذیرش لباس فرهنگ و خشونت های جبری اونجا بند ماندند گیر ماندند. لطفا کمره هایتان را صدا های تانرا در خدمت اونا قرار بدین. هر روز این آغای سخنگوی امارت اسلامی را نیارین پای صحبت، نگذارید که این سگ، خیلی معذرت میخواهم سگ خیلی حیوان نازنینی است، این هار این موجود هار هر روز بیاید تدهیر بکند و بگوید که ما خوب شدیم یا از خودش نرمش عجیب وغریب برای مشروعیت گرفتن از جهان نشان بده. اگر امارت اسلامی از جهان مشروعیت گرفت و به مشروعیت شناخته شد بعد از شاید ثانیه هایش آغاز بکند به اون حکومت جبار سالهای پیش از سال ۲۰۰۰ از سال ۱۹۹۵ تا سال ۱۹۹۹ که من خودم شاهد و زیر سلطه شان زندگی کردم. لطفا مواظب مردم افغانستان باشید لطفا.

مینو همتی: ویدا جان شما خطاب به دختران و زنانی که اکنون اونجا هستند و دارند با امارت اسلامی طالبان دست و پنجه نرم میکنند صحبت تون رو به اونها باشد دوست دارم یک بار دیگر پیامت را به تمام کسانی که تمام زنانی که مدافع حقوق خود شون هستن مدافع حقوق زنان حقوق خودشون را میدانند واقف هستند بگید که پیام شما چی هستش البته با این وضعیتی که الان به وجود آمده؟ چطوروری ایستادگی کنند در مقابل این امارت اسلامی طالبان؟

ویدا ساغری: زنان و دختران و دوستان یا همسنگران و همفکرای ما که در داخل افغانستان گیر افتادند و بند ماندند یا به

شرایطی نمیخواهند که بیرون آیند و میخواهند همانجا بچنگند باشند پیام به ما اونا اینست که بیدار باشند با همدیگر باشند متحدانه عمل بکنند ما ها همه در خدمت شان هستیم هر آنچه دار و ندار ماست در اختیارشان است از خانه هایمان تا درآمد ما تا میکروفون ما تا کار ما همه چی در اختیار اون خانم ها و اون دوستان ما در داخل افغانستان است. ما شب ها نمیخوابیم روزها نمیخوابیم من بعد از سه شب فقط توانستم دو ساعت قبل از این برنامه بخوابم تمام شب بیدارم بابت اینکه مبادا من نتوانم به زنگهای دوستهایم که از داخل میاید من نتوانم پاسخ بدهم مبادا کاری داشته باشند و من انجام داده نتوانم، ما همه بیداریم و دو چشم به شما هستیم شما تنها نیستید. خود را نیازین هیچگاهی تنها احساس نکنید این میدان جنگ از یادتان نرود که ما به عقب بر نمیگردیم و ما به جز جنگ و مقاومت راهی نداریم. این روزها گذشتنیست چنانچه روزهایی که پانزده سال آزرگار مجاهدین به افغانستان آوردند گذشت، چنانچه روزهایی که قبل از امان الله خان امیر ها آمدند به افغانستان، این اولین باری امارت در افغانستان نیست تاریخ افغانستان پر از امارت سالاری است زنان در درونش نمرندند در درونش نهضت های بزرگی را ایجاد کردند کتاب خواندند اگر زنان نتوانستند که فضا را از درون به بیرون از ترس جانشان یا به هر دلیلی به دیگران منتقل بکنند در درون خودشان هم نمرندند. ما در زمان خودمان تجارب خاصی را در پنج سال و ده سالی که ما زیر سلطه طالبان زندگی کردیم تجارب خاصی داریم ما از راه های مختلف انرا در اختیار شما میگذاریم، ما در اون زمان نمردیم ما در اون زمان کتاب خواندیم ما در اون زمان پنهانی فلم دیدیم ما در اون زمان لینک های ما را با دنیا ایجاد کردیم ما در اون زمان طرحی برای چند سال بعد ساختیم ما در اون زمان از دوستان مان احوالگیر بودیم ما در اون زمان با همدیگر یکجا و

پیوسته شدیم. اتفاقاً این زمانست که ما باید نشان بدیم چقدر قدرت داریم چقدر مغز ما کار میکند و چقدر به چیزهای نوین و به زندگی بهتر میتوانیم فکر بکنیم مه فکر میکنم این زمان زمانست که خود ما به جهان نشان بدیم که چقدر خودما هستیم. بابت اینکه اون بحتان تاریخی را ما از روی افغانستان از روی دموکراسی و مدنیت طلبی افغانستان که گویا امریکایی ها بودند که برای افغانستان با پول شان و با زور شان دموکراسی را آوردند ورنه افغانها چنین چیزی نمیخواهند و افغانها بنابر گفته اون آغایی که باید به دادگاه و محاکم بین المللی کشانیده شود آغای خلیلزاد که به نامه سرباز ما و نامه ای که ما زنان صد زن برایش نوشتیم و گفتیم و ازش خواستار شدیم که چرا شما خلاف تعهدات تان به افغانستان دوباره میخواهین که گروه سفاک طالبان به افغانستان بیاید و به اینا میز مذاکره میگذارین و به اینا رسمیت میدین به ما پاسخ داد، او نامه اش تاریخی است او نامه اش نزد ما است به ما پاسخ داد که شما چندتا هستین؟ تمام مردم افغانستان طرفدار طالبان و امارت است و این امریکایی ها است که شما به زورش میچلین و یا به زور اون میخواهین که مدنیت را نشان بدین، پس این زمانست که ما اون بحتان تاریخی را از روی افغانستان پس بکنیم و نشان بدیم که نه این امریکا نیست، در دل افغانستان در درون سنگ های افغانستان در خانه عهای کلوخی و فقیرانه زنان افغانستان دموکراسی وجود دارد و زنان افغانستان زنان متمدن هستن و بچه های متمدنی را تربیت خواهند کرد و هیچ فشاری اونا را تغییر داده نمیتواند این را ما باید ثابت بکنیم ما راهی جز ثابت کردن این نداریم از راه های مختلف. اگر قضیه اون رفتن مجنون از دنبال لیلی شد اگر به سرش زد با پاهایش رفت اگر پاهایش زد با دست هایش خرید اگر دست هایش را زد با شانه هایش خرید، ما دنبال عشق مان که آزادیست دموکراسیست با هر جایی ما که قطع بشه با یک

جای مان خواهیم خرید با دندان محکم میگیریم ما رها کردنی نیستیم ما با هم هستیم هر جای دنیا که هستیم هیچ کسی ناامید نباشد.

مینو همتی: ماریا یوسفزی شما با فعالین حقوق زنان و حقوق بشری افغانستان در ارتباط هستید از دیدگاه این فعالین شرایط چگونه توصیف میشود و درخواستشان از فعالین خارج چیست؟

ماریا یوسفزی: اوضاع افغانستان قسمی که همه جهان از ان آگاهی دارد مردم سراسیمه پریشان و آواره سرگردان از وحشت آمدن طالبان در سراسر افغانستان شده است حالات افغانستان نه تنها که فعلاً طالبان قدرت را از بادارانش بدست گرفته بلکه طی بیست سال سرگرده های مردم سوار شده بود از مردم قربانی گرفته، در هر انتحار و انفجار و جنگ، نخبه ها و جوان های تحصیل کرده و با دانش را از جامعه گرفتند. نوجوانان در مکتب و دانشگاه و کودکان نوزاد که هنوز طمع زندگی کردن در این دنیا را ندیده بود در جهان پر از وحشت را دور از اغوش آمدند. زنان پلیس، قاضی، وکیل، معلم و ژورنالست و واکسیوناسیون ها را در محضر عام تیر باران و یا توسط شلاق و یا سنگسار کشتند متأسفانه. اشغال بیست سال امریکا برای منفعت خودش و برای رقابت با ابر قدرت های دیگر از موقعیت جغرافیایی افغانستان استفاده میکنند و مردم را قربانی کردند. برعلاوه فساد های اداری و افزایش مواد مخدر و مافیایی ها اقتصاد کشور در بحران را تحویل دادند و مردم غریب را غریب تر شده رها کردند. فرار شرم آور امریکا به طالب چهره سیاسی داد و مهره جدید اش رابه قدرت رساندن، انها از هیچ نوع تلاش بدور نبودند.

ما ایکه دور از سرزمین ابایی خود هستیم همیشه رنج دوری از مادر وطن را می کشیم درد مردم درد دیده خود را میدانم این وافعات دلخراش مارا غمگین میسازد و کاری که ما

کرده میتوانیم صدای بی صدایان باشیم و حمایت خود را با زنان شجاع و مبارز سرزمینم ابراز میکنیم و به تظاهرات و گرد همایی ها به مقاومت زنان یکجا هستیم و به دنیا و جامعه جهانی تاکید میکنیم که دولت امارت طالبی را به رسمیت نشناسند هر چه زودتر به درد مردم همونا شوند چون فاجعه انسانی در راه است .

بتاریخ یازده سپتامبر و با جمع نهاد های ازادیخواه و فدراسیون فارو وانجمن فرهنگی افغان ها در شهر تورلتهان تظاهرات را راه اندازی کردیم واز تمام مردم انسان دوست خواهش میکنیم که در جمع ما بییوندند با ما همصدا باشند. با تشکر

سحر صامت:

با این سونامی یا همان حضور پررنگ که به سمت افغانستان آمد، همه را وحشت زده کرد به خصوص کابل نشینان زیرا، در پی جنگ های اخیر میان گروه طالبان و دولت مردم از ۳۳ شهر دیگر به کابل پناه آوردند. تنها امید مردم برای نجات میدان هوایی کابل بود تا بتوانند از آن طریق کشور را ترک و از جنگ فرار کنند. مردم افغانستان حکومت طالبان را در گذشته تجربه کرده اند. زنان از جامعه حذف شدند و کودکان و آینده شان به حاشیه رانده شد. کودکان به جای بازی و تفریحات کودکان و زمزمه اشعار کودکانه مجبور به حفظ و قرائت قرآن شدند. مردم کابل در حال هزار در وحشت عجیبی روز و شب را سپری می کنند. همه بلا تکلیف اند، فیلم هایی که از میدان هوایی پخش میشه بازتاب وحشت مردم از ورود طالبان است. تصاویر نشان میدهد که مردم کوشش می کنند به هر قیمتی هم که شده از افغانستان خارج شوند. ما شاهد این

بودیم که سه مرد جوان که بالهای هواپیما را محکم گرفته بودند و پس از اوج گرفتن هواپیما به زمین سقوط کردند. اینگونه نبوده که این جوانان از واکنش جاذبه زمین و فشار هوا بی اطلاع باشند، اما تصرف افغانستان به دست طالبان چنان مردم را وحشت زده کرد و آن سه جوان که تحصیل کرده هم بودند دست به چنین کاری زدند. آخرین تماس من ۲ ساعت پیش با کابل بود. طبق اطلاعاتی که به دستم رسید اکثر دواير دولتی غیر فعال شده است. قیمت ها به صورت وحشتناک رو به افزایش است و کردیت کارت موبایل که در گذشته ۵۰ افغانی قیمت داشت حالا ۱۵۰ تا ۲۰۰ افغانی در بازار به فروش می رسد. بانک ها به تعلیق درآمد اند و تکلیف حقوق ماهیانه کارمندان نامشخص است. دو روز پیش خبر لت و کوب یکی از دوستان دنیای مجازی ام در فیسبوک نشر شد ، با او تماس گرفتم و خبر را تایید کرد، دلیل لت و کوب هم نوع پوشش وی بود. زنان افغانستان باری دیگر با وحشت زدگی از وقوع این رویداد به سر می برند در حدی که آنهایی که در میدان هوایی کابل هستند کوشش میکنند که کودکان خود را برای نجات به دست نیروهای نظامی آمریکایی بسپارند تا نظامیان آنها را با خود به آمریکا ببرند. در حال حاضر مرز های کشورهای همسایه به روی مردم افغانستان بسته است. پرواز های غیر نظامیان نیز لغو شده است. دولت ایران وعده هایی داده اما با توجه به وضعیت مهاجرین افغان در ایران و با توجه به عدم هویت آنها در جامعه ایران، نمی شود به این وعده ها زیاد خوشبین بود. اکثر مهاجرین افغان در ایران حق کار به صورت رسمی را ندارند، از آنها به عنوان کارگر ارزان با دستمزد کم سواستفاده می شود و کودکانشان نیز حق حضور در مدارس را ندارند و تعداد زیادی هر از گاهی اخراج های اجباری به سمت افغانستان را تجربه میکنند. ترکیه نیز دیواری میان مرز خود و ایران کشیده است، قطعا این دیوار برای مردم ایران ساخته

نشده، زیرا مردم ایران می توانند بسیار راحت و حتی بدون ویزا وارد خاک ترکیه شوند. آلمان وعده مهاجر پذیری داد اما مشخص نیست که شامل حال چه کسانی میشود. احتمال می رود کسانی که در آلمان سالیان سال بی سرنوشت بودند و یا افرادی که در طول این سالها با آلمانی ها در افغانستان همکاری می کردند. کشور کانادا اعلام کرد که به تعداد ۲۰ هزار شهروند افغانستان به خصوص خبرنگاران و فعالین جامعه مدنی را می پذیرد. آمریکا نیز یک سری منابع را در اختیار مردم برای ارسال درخواست پناهندگی قرار داده است. فنلاند به افغانهای مقیم آن کشور گفته که می توانند برای فامیل درجه یک خود مانند (همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر) که در افغانستان زندگی میکنند درخواست پناهندگی ارسال نمایند. البته به درخواست یک تعداد نیاز جواب رد داده است. سویدن به صورت خیلی شفاف تصمیم خود را اعلام کرد و پای خود را کاملا از این موضوع کنار کشید. استغان لوون؛ نخست وزیر سویدن در یک کنفرانس خبری اظهار داشت: دولت سویدن نمی خواهد مانند سال ۲۰۱۵ موجی از پناهجویان را به این کشور راه دهد. او به صورت کاملا واضح گفت ما توانایی پذیرش و ادغام پناهجویان جدید به جامعه را نداریم. هنوز سرنوشت پناهجویانی که در سویدن با بی سرنوشتی مواجه هستند مشخص نیست و نمی توان حدس زد که از طرف دولت سویدن چه تصمیمی را درباره سرنوشت آنها اتخاذ می شود. به گفته اداره مهاجرت این کشور در حال حاضر به دلیل اوضاع امنیتی در افغانستان، کسی به سمت این کشور اخراج نمی شود. کسانی که نیز به دلیل دریافت سه جواب منفی مبنی بر اخذ اقامت فاقد کارت هویت بودند، می توانند باری دیگر درخواست کارت هویت کنند و تحت حمایت و بیمه اداره مهاجرت قرار بگیرند. همچنان پناهجویانی که در این دسته قرار دارند می



مهدی قلیان برای سپیده قلیان

سپیده کجاست
 آه اگر آزادی
 ســـــرودی
 می خواند
 کوچک
 همچون گلوگاه
 پرندیی،
 هیچ کجا دیواری فروریخته بر جای نمی ماند.
 سالیان بسیار نمی بایست
 دریافتن را
 که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی ست
 که حضور انسان
 آبادانی ست.
 کجایی ای کسی که عاشق آزادی هستی



سنگسار
شعر از آتوسا



من از طالب ، من از انتحار می ترسم
من از واسکت ، من از انفجار می ترسم
من از صلح خلیفه در قصر های سفید
من از رقص دره ، در انتظار می ترسم
از زمستان های خونین اش که هیچ
من از کیبل ، من از نوبهار می ترسم
من از جلاد و غول های یک چشمه
من از باغ های پر از دار می ترسم
از آذان های سرخ از نعره های خون
من از انار ، من از نسوار می ترسم
من از افعی ، من از مار های پنجابی
من از لنگی ، من از اژدهار می ترسم
من از فتوا، من از مشت های خشماگین
من از چیغها ، من از سنگسار می ترسم
من از کودک ، من از معتاد چادر پوش
من از تیغ ها ، من از کونار می ترسم

من از تلوار من از تلاطم غم در هوای سرد
می ترسم
من از سرمه
من از لنگی
من از فتوا
من از ریش های نیم متره
من از خنجر من از شوک های پر از درد
می ترسم
من از اشرف المدارس
من از لنگی های کوچک
من از مرگ مکاتب
من از همدستی ارگ با جهاد
من از مرگ دوصد انسان به دست فرد
می ترسم
بیا خواهر
بیا مادر
بخوان یکجا
نمی ترسیم نمی ترسیم نمی ترسیم
بگو خواهر
بگو مادر
که ما از طالب و داعش نمی ترسیم
نمی ترسیم
اگر کوبانی داعش را
گریزان کرد
اگر کوبانی با ایستادگی خود را چراغان کرد

بگو خواهر
بگو مادر
نمی خواهم امارت را
نمی خواهم خلافت را
بیا خواهر که از دردت سرود صلح برخوانیم
بیا مادر که در سوگت صدای صلح برافشانیم
الا طالب
الا ای ارگ
بزودی گم شوید از خاطرات غم
نباشد بعد از آن ماتم
الا طالب
الا ای ارگ
درون واژه ی صلحت
هزار جنگ است
به کنج جیب اربابت
دو صد ننگ است
بیا خواهر
صدایت را بلندتر کن
نگاهت را دمامد غرق باور کن
امیدت را ز کاخ های سفید برچین
بخی خواهر
بخی خواهر
شود روزی که از چشمت بجای اشک و
سوگواری
فرو ریزند
یکی آبخار خوشبختی
یکی آبخار آزادی

بیا خواهر که طالب را
به هیچستان بسپاریم
تمام زاغچه و زاغ را
به زاغستان بریزانیم
اگر کوبانی طوفان شد
اگر زن ها درخشان شد
بیا خواهر که چادر را برافرازیم
شجاعت را به سنگر ها بیاویزیم

من از طالب ،
من از انتحار می ترسم
من از واسکت
من از انفجار می ترسم
من از چادر
من از چوتی
من از نکاح صغیره
من از بریدن گردن



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: minohemati@gmail.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzaei.p@gmail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com